

بررسی رده‌شناختی متمم‌افزایی در فارسی امروز*

فریاد اخلاقی (پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری)

چکیده: در متمم‌افزایی، یک فعل در جایگاه یکی از وابسته‌های اجباری خود، به جای گروه اسمی، از یک بند استفاده می‌کند و حضور بند مورد نظر برای خوش‌ساخت بودن جمله ضروری است.

در پژوهش حاضر، متمم‌افزایی در فارسی امروز، در چارچوب رویکرد نقشی - رده‌شناختی و بر پایه پیکره‌ای زبانی مشتمل بر چهل هزار جمله از داده‌های طبیعی (نوشتاری) زبان فارسی، بررسی شده است.

در رویکرد نقشی - رده‌شناختی، فرض اصلی بر این است که ویژگی‌های معنایی فعل بند اصلی نقش عمده‌ای در تعیین ساختار بند وابسته ایفا می‌کنند. در نتیجه، بررسی متمم‌افزایی بر پایه فهرستی از طبقات معنایی فعل‌های متمم‌پذیر شکل می‌گیرد که در چارچوب نظری حاضر عبارت‌اند از: وجهی، مرحله‌ای، بهره‌کشی (دارای معنای ضمنی مثبت و فاقد معنای ضمنی)، آرزویی، ادراکی، آگاهی، نگرش گزاره‌ای، و نقل قولی، و سپس این موضوع بررسی می‌شود که آیا ساختار بند وابسته متممی در هر طبقه معنایی، با ساختار بند خبری غیروابسته تفاوت دارد یا نه و اگر تفاوت است این تفاوت در چیست. ارزیابی این تشابه یا تمایز نیز از گذر بررسی دو متغیر انجام می‌گیرد: یکی صورت فعل بند وابسته (از نظر نمایش یا حذف تمایزات مقوله‌ای زمان دستوری، نمود، وجه و شخص) و دیگری رمزگذاری مشارک‌ها در این بند (از نظر حضور آشکار یا عدم حضور مشارک‌های بند وابسته).

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری این جانب است که به راهنمایی دکتر محمد دبیرمقدم، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تدوین و دفاع شده است.

در زمینه صورت فعل بند وابسته، بررسی‌ها حاکی از این بود که در زبان فارسی نیز در رمزگذاری بند وابسته متممی دو راهکار هم‌ترازی / تنزل‌یافتگی مورد استفاده قرار می‌گیرد و این تقابل به صورت تقابل دو وجه اخباری و التزامی تجلی می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سلسله‌مراتب تنزل‌یافتگی در زبان فارسی با سلسله‌مراتبی که مطابق با یافته‌های رده‌شناختی برای این منظور به دست داده شده همسوست.

در زمینه رمزگذاری مشارک‌ها نیز بررسی داده‌های زبان فارسی در مورد تمامی روابط متممی نشان داد که در این زبان گرایش غالب حذف فاعل بند وابسته است. کلیدواژه‌ها: متمم‌افزایی، وابسته‌سازی، راهکار هم‌ترازی، راهکار تنزل‌یافتگی.

۱. مقدمه

وابسته‌سازی^۱ در نحو، فرایندی فراگیر است که از طریق آن یک بند^۲ به عنصر یا بندی که در ساخت کلی جمله در سطح بالاتری قرار دارد، وابسته می‌شود. در این حالت، بند وابسته به تنهایی امکان حضور ندارد و صرفاً می‌تواند به عنوان بخشی از عنصر یا بند بالاتر در جمله حاضر شود (AARIS 2006: 248; GIVÓN 2001: 327; VAN VALIN & LAPOLLA 1997: 414).

رابطه وابسته‌سازی سه گونه دارد که عبارت‌اند از رابطه متممی^۳، رابطه تیدی^۴ و رابطه موصولی^۵. از میان این سه گونه، بررسی رابطه متممی موضوع پژوهش حاضر است و با عبارت متمم‌افزایی به آن اشاره خواهد شد.

مطابق تعریف، متمم‌افزایی شرایطی است که یک فعل در جایگاه یکی از وابسته‌های اجباری خود، به جای گروه اسمی، از یک بند استفاده کند و حضور بند مورد نظر برای خوش ساخت بودن جمله ضروری باشد و حذف آن به غیر دستوری شدن جمله بینجامد (NOONAN 2007; CRISTOFARO 2005). به نمونه‌های ذیل توجه کنید:

۱. [علی] [نقشه آنها را] فهمید.

۲. [علی] فهمید [که آنها چه نقشه‌ای دارند].

در جمله (۱) فاعل و مفعول فعل فهمیدن گروه اسمی هستند، اما در جمله (۲) مفعول

1. Subordination

2. Clause

3. Complement relation

4. adverbial relation

5. relative relation

جمله در قالب یک بند که در مثال به صورت سیاه نمایش داده شده، تجلی کرده است. با حفظ مفهوم فعل فهمیدن به عنوان یک فعل متعدی، حضور این بند برای دستوری بودن جمله ضروری است؛ زیرا جای یکی از ظرفیت‌های فعل را پر کرده است و جمله بدون آن غیر دستوری می‌شود:

۳. * علی فهمید.

به فعل‌هایی نظیر فهمیدن، گفتن، فکر کردن، وادار کردن، حس کردن، شنیدن، دیدن و مانند آنها، که در جایگاه یکی از وابسته‌های اجباری خود از بند استفاده می‌کنند، فعل متمم‌پذیر^۶ و به بندی که در چنین جایگاهی به کار برده می‌شود بند متممی^۷ گفته می‌شود.

بندهای متممی انواع گوناگونی دارند. متداول‌ترین نوع بند متممی در زبان‌های دنیا بند متممی جمله‌گون نامیده می‌شود. این نوع بند، بیشترین شباهت را به جمله اصلی دارد و در آن، فعل از نظر نحوی و معنایی، فعل باقی می‌ماند (ر.ک. ۲-۳).

در پژوهش حاضر، متمم‌افزایی در زبان فارسی با رویکرد نقشی - رده‌شناختی بررسی شده است. در این رویکرد، وابسته‌سازی به طور عام و متمم‌افزایی به طور خاص، فارغ از ویژگی‌های صوری - که از زبانی به زبان دیگر متفاوت است - ابزاری برای ایجاد رابطه شناختی بین دو رویداد یا وضعیت تلقی می‌شود، در شرایطی که یکی از آن دو، که وضعیت وابسته نامیده می‌شود، ماهیت مستقل ندارد و تنها با توجه به رویداد یا وضعیت دیگر که رویداد اصلی خوانده می‌شود قابل شرح است (Cristofaro 2005: 1-3).

در این پژوهش، وضعیت‌های وابسته زبان فارسی، تا آنجا که در قالب بندهای

6. Complement-taking predicate/ Complement-taking verb

همان‌گونه که می‌دانیم اصطلاح فعل (verb) به دو مفهوم به کار می‌رود: یکی در مفهوم عنصری نحوی و هم‌ارز با اصطلاحاتی مانند فاعل و مفعول و دیگری در مفهوم یکی از اجزاء کلام و هم‌ارز با اصطلاحات اسم و صفت و نظایر آن. در برخی از آثار انگلیسی، و نه در همه آنها، برای منعکس کردن این تمایز، آنجا که فعل در مفهوم نخست به کار رفته، از اصطلاح predicate استفاده شده و اصطلاح verb ناظر بر مفهوم دوم در نظر گرفته شده است. در زبان فارسی نیز برخی این تمایز را با به کارگیری برابر نهاد محمول، در مقابل اصطلاح predicate و فعل، در مقابل verb نشان داده‌اند. در مقاله حاضر، حفظ یکدستی، بر انعکاس این تمایز که گاه به سردرگمی خواننده می‌انجامد، ترجیح داده شده و برابر نهاد فعل در تمام موارد (هم برای predicate هم برای verb) به کار رفته است.

7. Complement clause

جمله‌گون نمایش داده شوند بررسی شده و تجلی وضعیت وابسته در قالب‌های صوری دیگر مورد نظر نبوده است.

در مطالعات رده‌شناختی، توجه صرف به ویژگی‌های صوری راه به جایی نمی‌برد؛ زیرا ویژگی‌های صوری یک مقوله در هر زبان، خاص آن زبان هستند و الزاماً در زبان‌های دیگر یافت نمی‌شوند. بنابراین، توصیف مقوله مورد نظر در زبان‌های مختلف تنها زمانی امکان‌پذیر است که بر مبنای ویژگی‌های معنایی مشترک صورت گیرد.

این مسئله در بررسی متمم‌افزایی نیز صدق می‌کند. به همین منظور، گام اول در بررسی رده‌شناختی این پدیده آن است که فرض کنیم پذیرفتن بند متممی، ویژگی فعل‌هایی با مفاهیم خاص است و چنانچه زبان مورد بررسی در واژگان خود فعلی برای بیان آن مفاهیم داشته‌باشد، در کاربرد آن در قالب رابطه متممی، از بند متممی استفاده خواهد کرد. چنین فرضی به معرفی فهرست‌های مختلفی از طبقات معنایی فعل‌های متمم‌پذیر منجر شده است (برای نمونه ر.ک. (NOONAN 2007; CRISTOFARO 2005; GIVÓN 2001).

در گام بعدی لازم است ملاک‌هایی برای این بررسی برگزیده شوند که خاص یک زبان نباشند و بتوان آنها را در مورد همه زبان‌ها، بدون توجه به ویژگی‌های ساختی متفاوت هر زبان، محک زد. یکی از مسائلی که در زمینه متمم‌افزایی باید مورد بررسی قرار گیرد و در همه زبان‌ها قابل سنجش است این است که بندی که به بند دیگر می‌پیوندد و نقش یکی از وابسته‌های اجباری آن را ایفا می‌کند، در نتیجه این فرایند چه ویژگی‌هایی پیدا می‌کند. به عبارت دقیق‌تر، وضعیت وابسته در زبان مورد نظر به چه شکل صورت‌بندی می‌شود و تمایز آن با وضعیت اصلی (در صورت وجود تمایز) چگونه در زبان بازتاب می‌یابد.

ملاکی که در این زمینه پیشنهاد شده این است که بررسی شود آیا در زبان مورد نظر، ساختار بند وابسته با ساختار بند خبری غیر وابسته تفاوت دارد یا نه. سنجش این مسئله با دو متغیر امکان‌پذیر است: یکی ویژگی‌های صورت فعل^۸ بند وابسته و اینکه آیا از نظر نمایش تمایزات مقوله‌ای (زمان دستوری، نمود، وجه و شخص) و یا حتی ساختارواژه

فعل، با فعل بند خبری غیر وابسته تفاوت دارد یا نه، و دیگری رمزگذاری مشارک‌ها^۹ در این بند است و اینکه به‌عنوان مثال، مشارک‌های بند وابسته در زبان مورد بررسی به‌طور آشکار ذکر می‌شوند یا محذوف‌اند (Cristofaro 2005: 3). هیچ‌یک از این دو ملاک، زبان-ویژه^{۱۰} نیستند و در همه زبان‌ها قابل بررسی‌اند.

در این پژوهش به مفاهیم معناشناختی فعل‌های متمم‌پذیر فارسی و تأثیر فعل‌های دربردارنده آن مفاهیم بر شکل‌گیری متمم‌افزایی پرداخته خواهد شد، اما فقط در آن حد که در قالب فعل‌های شخصی^{۱۱} زبان فارسی نمایانده می‌شود. از سوی دیگر، تنها فعل‌هایی که در زبان فارسی از لحاظ ساختی ساده، پیشوندی و مرکب محسوب می‌شوند، در آن بررسی می‌شوند و بازنمایی مفاهیم معناشناختی مؤثر بر ایجاد وابسته‌سازی، در عبارت‌های فعلی و فعل‌های پی‌بستی این زبان مورد مطالعه قرار نمی‌گیرد. در این دسته از افعال نیز تنها صورت مثبت فعل متمم‌پذیر بررسی شده‌است. بهره‌گیری از پیکره‌های زبانی، ویژگی عمده پژوهش‌های رده‌شناختی است. در انجام این پژوهش نیز نگارنده با اتکا به پیکره‌ای زبانی مشتمل بر چهل هزار جمله^{۱۲} از فارسی معیار (نوشته‌ای) که همگی از پایگاه داده‌های زبان فارسی (دادگان زبان فارسی)^{۱۳} گردآوری شده‌اند، وضعیت فعل‌های متمم‌پذیر فارسی از نوع شخصی را، بر اساس یکی از فهرست‌هایی که برای طبقه‌های معنایی این فعل‌ها ارائه شده‌است (Cristofaro 2005) مورد بررسی قرار داد^{۱۴}. به این منظور، تعدادی از رایج‌ترین فعل‌هایی که در هر طبقه

9. participant coding 10. language-specific 11. personal

۱۲. واحد پیکره‌های زبانی غالباً واژه است و نه جمله و حجم با واحد واژه سنجیده می‌شود، اما به دلیل اینکه موضوع پژوهش حاضر در قالب جمله‌های زبان فارسی بازتاب می‌یابد، جمله، به‌عنوان واحد سنجش حجم آن در نظر گرفته شد.

۱۳. پایگاه داده‌های زبان فارسی به همت و سرپرستی دکتر مصطفی عاصی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ایجاد شده‌است. گستره زبانی زیر پوشش این پایگاه، زیر عنوان فارسی معاصر، به‌طور قراردادی از آغاز قرن چهاردهم خورشیدی تا به امروز را دربر می‌گیرد که در این پژوهش تحت عنوان فارسی امروز به آن اشاره می‌شود.

۱۴. در زمان انجام این پژوهش، جدیدترین اثری که در این زمینه در دسترس بود کتاب کریستوفارو (Cristofaro 2005) بود و به همین دلیل به‌عنوان مبنای پژوهش برگزیده شد. در این اثر، طبقات معنایی فعل‌های متمم‌پذیر بر اساس مقاله نونان (Noonan 1985) ارائه شده‌است.

مفهوم مورد نظر را در فارسی امروز بیان می‌کنند، از نظر ملاک‌های مورد بحث، یعنی صورت فعل و رمزگذاری مشارک‌ها در بند وابسته، توصیف و از نظر رده‌شناختی تحلیل شد.

۲. پیشینه پژوهش

وابسته‌سازی نیز چون دیگر موضوعات نحوی از دیرباز در دستورهای سنتی، هرچند به‌طور غیرمنسجم، مورد اشاره بوده و پس از پیدایش زبان‌شناسی نوین، با رویکردهای نوین زبان‌شناختی، مورد بررسی قرار گرفته‌است. در ادامه، در بخش‌های مجزا، پژوهش‌های انجام‌شده در زبان‌های دیگر و زبان فارسی را مرور می‌کنیم. با این توضیح که در هر بخش، پژوهش‌ها به ترتیب تاریخ از قدیم به جدید معرفی می‌شوند.

۲-۱ پژوهش‌های انجام‌شده در زبان‌های اروپایی

کوئرک و همکاران (Quirk et.al. 1985) در بحث بسیار مفصلی در دو فصل ۱۴ و ۱۵ کتاب خود، به ترتیب به جملات مرکب ناهم‌پایه^{۱۵} در زبان انگلیسی و نقش‌های نحوی و معنایی بندهای وابسته در این زبان پرداخته‌اند.

آنها در بررسی متمم‌افزایی فعل^{۱۶} بخشی را به حضور بند دارای متمم‌نمای *that*^{۱۷} در جایگاه مفعول بند اصلی اختصاص داده‌اند و بیان کرده‌اند که این‌گونه بندها در زبان انگلیسی، بسته به اینکه فعل بند اصلی چه باشد، سه نوع فعل می‌توانند داشته باشند: فعل اخباری^{۱۸}، فعل معمول^{۱۹} *should* و فعل التزامی^{۲۰}. به گفته آنان، این سه صورت در فعل بند وابسته با دو مقوله عمده در فعل بند اصلی متناظر هستند: یکی واقعیت‌بنیاد^{۲۱} بودن و دیگری احتمالی^{۲۲} بودن. فعل‌های واقعیت‌بنیاد، اطلاعات گزاره‌ای یا دارای واقعیت را شرح می‌دهند و بنابراین در بند وابسته آنها فعل اخباری به کار می‌رود، حال آنکه فعل‌های احتمالی، بیانگر قصدی برای ایجاد نوعی تغییر در آینده هستند و در قالب امر، پیشنهاد و نظایر آن صورت‌بندی می‌شوند. این نوع فعل می‌تواند با هر سه نوع بند

15. Complex sentences

16. verb complementation

17. that-clause

18. indicative

19. putative

20. subjunctive

21. factual

22. suasive

وابسته اخباری دارای *should* و التزامی همراه شود؛ هرچند، کاربرد فعل اخباری با آن محدود است و بیشتر در انگلیسی امریکایی پذیرفته به نظر می‌رسد (Ibid: 1179-1180).
 اشاره کوئیک و همکاران به ویژگی‌های معنایی فعل‌هایی که بند وابسته می‌پذیرند به همین حد محدود می‌شود. آنها به ویژگی‌ها و طبقات معنایی فعل‌هایی که به‌طور اجباری یا گاه اختیاری، به‌جای گروه‌های اسمی از بندهای وابسته به‌عنوان موضوع^{۲۳} بهره می‌گیرند، پرداخته‌اند و تنها نقش و ویژگی‌های نحوی و معنایی بندهای وابسته را بررسی کرده‌اند.

گیون (Givón 2001) با رویکردی نقشی-رده‌شناختی به بررسی متمم‌های فعلی^{۲۴} و ادغام بند^{۲۵} پرداخته‌است. وی متمم فعلی را بندی می‌داند که نقش فاعل یا مفعول بند دیگری را ایفا کند. در نتیجه، در گستره وابسته‌سازی، تنها متمم‌افزایی را مورد بررسی قرار داده و در محدوده آن نیز بررسی خود را به بندهای متممی مفعولی محدود کرده‌است.

وی فعل‌هایی را که بندهای متممی^{۲۶} می‌پذیرند به سه دسته معنایی عمده تقسیم می‌کند: فعل‌های دربردارنده معنای وجه^{۲۷}، فعل‌های دربردارنده معنای بهره‌کشی^{۲۸} و فعل‌های دربردارنده معنای ادراک^{۲۹}، شناخت^{۳۰} و نقل قول^{۳۱} (Ibid: 149-157).

وی پس از ارائه طبقه‌بندی نحوی-معنایی کلی برای فعل‌های متمم‌پذیر به شرح فوق، به بررسی هم‌ریختی^{۳۲} نظام‌مندی می‌پردازد که به گفته او بین ابعاد نحوی و معنایی متمم‌افزایی وجود دارد. وی این هم‌ریختی را جلوه‌ای از تصویرگونگی می‌داند و معتقد است میزان تلفیق معنایی دو بندی که از طریق وابسته‌سازی به هم پیوسته‌اند، با میزان ادغام نحوی آن دو بند ارتباط مستقیم دارد. وی عوامل مؤثر بر تلفیق معنایی و تجلی نحوی آن در ادغام دو بند را به تفصیل بررسی می‌کند. این بررسی حاوی مطالبی تازه در خصوص عوامل نقشی مؤثر بر الگوی صورت‌بندی متمم‌افزایی در زبان‌های دنیاست.

23. argument

26. clausal complements

29. perception

32. isomorphism

24. verbal complements

27. modality

30. cognition

25. Clause union

28. manipulation

31. utterance

کریستوفارو (Cristofaro 2005) در کتابی مستقل، وابسته‌سازی را با رویکرد نقشی - رده‌شناختی مورد بررسی قرار داده‌است. هدف او از بررسی وابسته‌سازی در رویکرد نقشی - رده‌شناختی، ارائه رده‌شناسی نظام‌های وابسته‌سازی در زبان‌های دنیاست. وی می‌خواهد از این طریق ساز و کارهایی را هویدا کند که زیربنای همراهی ساختارهای صرفی - نحوی^{۳۳} مورد استفاده در نمایش وابسته‌سازی و موقعیت‌های مفهومی بیان‌شده توسط آنها را تشکیل می‌دهند. اثر او را می‌توان نخستین تلاش نظام‌مندی دانست که در جهت ایجاد ارتباط بین تمامی انواع وابسته‌سازی (متمم‌افزایی، قیدافزایی و موصولی‌سازی) از یک سو، و مجموعه‌ای از اصول نقشی واحد از سوی دیگر، صورت گرفته‌است. وی می‌کوشد توزیع ساختارهای مورد استفاده برای نمایش وابسته‌سازی در سطح زبان‌های مختلف دنیا را، تا آنجا که پیکره او از زبان‌های مختلف اجازه می‌دهد، برحسب سلسله‌مراتب تلویحی کلی شرح دهد (Ibid: 1). حاصل پژوهش کریستوفارو ارائه چند سلسله‌مراتب تلویحی فراگیر برای وابسته‌سازی در زبان‌های دنیاست. از آنجاکه این اثر چارچوب نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، شرح بیشتر آراء کریستوفارو را به بخش مفاهیم بنیادین موقوف می‌کنیم.

دیکسون (Dixon 2006) نیز در بررسی رده‌شناختی متمم‌افزایی، همچون زبان‌شناسان دیگری که در این رویکرد به مطالعه این نوع وابسته‌سازی پرداخته‌اند (Cristofaro 2005; Givón 1990, 2001; Noonan 1985, 2007) تنها راه‌حل را طبقه‌بندی معنایی فعل‌ها دانسته‌است، اما ملاک‌های او در این طبقه‌بندی با دیگران تا حدی متفاوت است. طبقه‌بندی وی بیشتر با عنایت به ویژگی‌های معنایی بند وابسته‌ای که به بند اصلی می‌پیوندد (به‌عنوان مثال لزوم یکسان بودن یا نبودن فاعل بند اصلی و وابسته) صورت گرفته‌است و نه صرف ویژگی‌های معنایی فعل بند اصلی.

وی در بررسی بندهای متممی بیان می‌کند که در بیشتر شرایط، بند متممی نقش مفعول مستقیم بند اصلی را ایفا می‌کند. به‌گفته او، بسته به زبان مورد بررسی، این بند می‌تواند نقش فاعل یا عامل را نیز برای بند اصلی داشته‌باشد. او بندهای متممی را بر اساس ویژگی‌های نحوی و معنایی‌شان به سه گروه قابل تقسیم می‌داند. این سه گروه

به گفته او عبارت‌اند از بندهای متممی واقعیت^{۳۴}، که اغلب با فعل‌هایی با معانی خاص نظیر فکر کردن، تصور کردن و نیز فعل‌هایی با معانی توانستن و آرزو کردن همراه می‌شوند؛ بندهای متممی فعالیت^{۳۵} که با فعل‌هایی با معانی دیدن، شنیدن، ترسیدن و غیره و نیز فعل‌هایی با معانی شروع کردن و ادامه دادن همراه می‌شوند؛ و نوع سوم بندهای متممی بالقوه^{۳۶} که با فعل‌هایی با معانی قول دادن، تهدید کردن و نظایر آن و نیز با فعل‌هایی با معانی خواستن، وادار کردن، تلاش کردن و غیره همراه می‌شوند (ibid: 42-43).

نونان (NOONAN 2007) در مقاله‌ای مستقل، متمم‌افزایی را در چارچوب رده‌شناختی مورد بررسی قرار داده است. به گفته او، متمم‌افزایی موقعیتی نحوی است که در آن یک جمله مفهومی، موضوع یک فعل واقع می‌شود، یعنی در جایگاه فاعل یا مفعول آن فعل قرار می‌گیرد (ibid: 52).

او نیز به منظور بررسی متمم‌افزایی در زبان‌های دنیا، با ملاک معنایی، به طبقه‌بندی فعل‌های متمم‌پذیر می‌پردازد. وی برای فعل‌های متمم‌پذیر چهارده طبقه معنایی قائل شده است. به گفته نونان، هدف از این طبقه‌بندی، نشان دادن شیوه کاربرد فعل‌هایی است که در فرایند متمم‌افزایی، بند متممی می‌پذیرند. او با این توضیح، طبقه‌بندی خود را چنین ارائه می‌کند: ۱. فعل‌های نقل قولی؛ ۲. فعل‌های نگرش گزاره‌ای^{۳۷}؛ ۳. فعل‌های وانمودی^{۳۸}؛ ۴. فعل‌های گزارشی^{۳۹}؛ ۵. فعل‌های آگاهی و کسب آگاهی^{۴۰}؛ ۶. فعل‌های واهمه‌ای^{۴۱}؛ ۷. فعل‌های آرزویی^{۴۲}؛ ۸. فعل‌های بهره‌کشی^{۴۳}؛ ۹. فعل‌های وجهی^{۴۴}؛ ۱۰. فعل‌های میسری^{۴۵}؛ ۱۱. فعل‌های مرحله‌ای^{۴۶} (نمودی)^{۴۷}؛ ۱۲. فعل‌های ادراک بلافصل^{۴۸}؛ ۱۳. فعل‌های منفی^{۴۹}؛ ۱۴. فعل‌های پیوندی^{۵۰} (ibid: 120-145).

- | | |
|--|--------------------------------|
| 34. fact complement clause | 35. activity complement clause |
| 36. potential complement clause | 37. propositional attitude |
| 38. pretence predicates | 39. commentative predicates |
| 40. predicates of knowledge and acquisition of knowledge | 41. predicates of fearing |
| 42. desiderative predicates | 43. manipulative predicative |
| 45. achievement predicates | 44. modal predicate |
| 46. phasal predicates | 47. aspectual |
| 48. immediate perception predicates | 49. negative predicates |
| 50. conjunctive predicates | |

شاید بتوان ادعا کرد که طبقه‌بندی نونان (NOONAN 2007) مفصل‌ترین طبقه‌بندی ارائه‌شده برای فعل‌های متمم‌پذیر و تحلیل او از متمم‌افزایی، جامع‌ترین تحلیلی است که تاکنون در این زمینه ارائه شده‌است.

۲-۲ پیشینه مطالعات انجام‌شده دربارهٔ وابسته‌سازی در زبان فارسی

مطالعات انجام‌شده در زمینهٔ وابسته‌سازی در زبان فارسی محدود است و در این میان، مطالعات انجام‌شده از دیدگاه زبان‌شناسی نوین بسیار محدودتر است. در آثار موجود، در چند مورد تنها به ذکر کلیاتی دربارهٔ جمله‌های مرکب و وابسته و پیوسته و ارتباط اجزاء آنها با یکدیگر اکتفا شده و به ویژگی‌ها و انواع جملهٔ مرکب و وابسته به‌طور عام و جمله‌های مرکب و وابستهٔ حاری بند متممی به‌طور خاص، توجهی نشده‌است (به‌عنوان نمونه: باطنی ۱۳۴۸). در بیشتر آثاری که در آنها به تقسیم‌بندی انواع جملهٔ مرکب و وابسته نیز توجه نشان داده شده، تنها به دو نوع موصولی و قیدی از این جملات پرداخته شده و نوع متممی از نظر دور مانده‌است (به‌عنوان نمونه: Windfuhr 1979; Lambton 1976؛ انوری و احمدی‌گیوی ۱۳۸۵). نکتهٔ دیگری که در بسیاری از این آثار به چشم می‌خورد این است که در تحلیل‌هایی که برای وابسته‌سازی ارائه کرده‌اند نقش حروف ربط را در این فرایند بیش از حد برجسته کرده‌اند و کوشیده‌اند انواع بند و وابسته را، برحسب نوع حرف ربطی که می‌پذیرند، از لحاظ معنایی و نحوی توصیف کنند، و یا حتی در برخی موارد، عامل وابسته‌سازی را آشکارا یا به‌طور تلویحی، حروف ربط پنداشته‌اند (به‌عنوان نمونه: فرشیدورد ۱۳۸۴؛ Lambton 1976).

در ادامه، به‌عنوان نمونه‌ای از آنچه در دستوره‌های سنتی و مطالعات نوین زبان‌شناختی دربارهٔ وابسته‌سازی آمده، به پژوهش‌های چند محقق غیرایرانی و ایرانی در این خصوص می‌پردازیم.

۲-۲-۱ محققان غیرایرانی

از میان محققان غیرایرانی تنها لازار (۱۳۸۴ [۱۹۵۷]) است که به متمم‌افزایی توجه نشان داده و در آثار دیگران (به‌عنوان نمونه: Windfuhr 1979; Lambton 1976) صرفاً به انواع موصولی و قیدی از وابسته‌سازی پرداخته شده‌است. لازار در بحث دربارهٔ جملهٔ مرکب، دو نوع

تک جمله [= بند] هم‌پایه و وابسته را که در ساخت دو نوع جمله مرکب هم‌پایه و وابسته به کار می‌روند از هم متمایز می‌کند. وی در توضیح تک جمله‌های وابسته، همراه شدن آنها را با واژه‌های وابستگی نما، مانند حروف ربط - که به گفته او در بیشتر موارد اتفاق می‌افتد - به عنوان ویژگی این گروه مطرح می‌کند (همان‌جا: ۲۴۷-۲۵۴).

آنچه از مباحث مطرح در این اثر با مباحث مورد نظر در این رساله همسوست، ذیل عنوان تک جمله‌هایی که نقش اسم دارند (فاعل، مفعول...) طرح شده است (همان‌جا: ۲۵۴). لازار در زمینه وجه فعل بند پیرو، اشاره‌هایی هرچند نه‌چندان دقیق، به اهمیت معنای فعل بند اصلی در تعیین شیوه صورت‌بندی بند وابسته دارد (همان‌جا: ۲۵۴-۲۶۱).

۲-۲-۲ محققان ایرانی

حاجتی (Hajati 1977) فصل سوم رساله دکتری خود را به بررسی متمم‌افزایی در چارچوب دستور زایشی-گشتاری^{۵۱} اختصاص داده است. وی با ذکر چند مثال در هر مورد، به تحلیل مختصر متمم‌های فاعلی، مفعولی و مفعول متممی در زبان فارسی می‌پردازد و تعمیم‌هایی را در زمینه ساخت‌های دستوری و غیر دستوری آنها به دست می‌دهد (Ibid: 62-66). آهنگر (۱۳۸۱) نیز در قالب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی ارائه شده از سوی چامسکی، جایگاه و ماهیت بند متمم فعل در زبان فارسی را مورد تحلیل قرار داده است. به دلیل اینکه رویکرد این دو پژوهش با رویکرد پژوهش حاضر تفاوت دارد از ذکر جزئیات آنها خودداری می‌کنیم.

دبیرمقدم (۱۳۸۴ [۱۱۳۶۷]) به بررسی ویژگی‌های نحوی و معنایی ساخت‌های سببی^{۵۲} در زبان فارسی پرداخته است. آن بخش از مقاله وی که با موضوع پژوهش حاضر همسوست به ساخت‌های سببی مرکب مربوط می‌شود. به گفته وی ساخت‌های سببی مرکب همواره دربردارنده یک جمله [= بند] پایه و یک جمله [= بند] متمم است. وی در توصیف بند متممی که در زبان فارسی در این ساخت به کار می‌رود می‌گوید که همواره با نشانه متمم، یعنی که، همراه است و فعل آن در تمام موارد از وجه التزامی است (همان‌جا: ۱۹-۲۰).

او در این زمینه به توصیف فعل‌های بهره‌کشی^{۵۳} زبان فارسی می‌پردازد و به صورتی موشکافانه کاربرد این فعل‌ها را در این زبان توصیف و در رویکردی صورت‌گرا تحلیل می‌کند. دبیرمقدم بر اساس معیار تضمین معنای ضمنی، فعل‌های بهره‌کشی را به سه گروه تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از دارای معنای ضمنی مثبت، دارای معنای ضمنی منفی و فاقد معنای ضمنی. وی با ارائه مثال‌هایی از زبان فارسی وجود این تمایز را در این زبان نشان می‌دهد (همان‌جا: ۲۰-۲۲).

شفایی (۱۳۶۳) در بین دستورهای موجود مفصل‌ترین تحلیل را از وابسته‌سازی و انواع آن ارائه کرده است. وی با اشاره به شیوه‌های ارتباط نحوی دو بند، حروف ربط را یکی از پنج ابزار نحوی ارتباط دو بند در جمله مرکب و مهم‌ترین آنها می‌شمارد. به گفته او حروف ربط، شاخص اصلی نوع رابطه نحوی اجزاء در جملات مرکب هستند (همان‌جا: ۲۵۸).

شفایی جملات مرکب وابسته فارسی را، با در نظر داشتن ملاک نقش بند پیرو در قبال بند پایه، به شانزده نوع مختلف تقسیم می‌کند که یکی از آنها جملات مرکب وابسته با فراکرد پیرو متممی است (همان‌جا: ۲۹۱-۳۰۲) که موضوع پژوهش حاضر است. وی از معدود دستورنویسانی است که به اهمیت معنای فعل بند پایه در تعیین و صورت‌بندی بند پیرو توجه نشان داده است و صراحتاً بیان می‌کند که در جملات مرکب با بندهای پیرو متممی بی‌واسطه، معنای واژگانی فعل بند پایه در تعیین صورت فعل بند پیرو تأثیر اساسی دارد (همان‌جا: ۳۴۴-۳۴۵). وی در اثر خود با موشکافی و نکته‌بینی به بررسی کاربرد انواع بند متممی در زبان فارسی پرداخته است و تنها به دلیل به کارگیری اصطلاحات گاه نامأنوس (نظیر عاید، عضو غیر مستقل و جز آنها) دنبال کردن مطالب وی چندان آسان نیست.

مشکوٰۃ‌الدینی (۱۳۸۴) جملات مرکب ناهم‌پایه‌ای [= ناهم‌پایه] با بند متمم را یکی از انواع سه‌گانه جملات مرکب ناهم‌پایه دانسته است. او هم از جمله محققانی است که به تأثیر ویژگی‌های معنایی فعل بند اصلی در پذیرش بند متممی توجه نشان داده است؛ هرچند، داشتن بند متمم را مشخصه نحوی گروه خاصی از فعل‌های واژگانی دانسته که تنها به مفاهیم بیان یا ادراک مربوط می‌شوند، مثل گفتن، پرسیدن، دانستن و احساس کردن و در این زمینه مفاهیم دیگر را از نظر دور داشته است (همان‌جا: ۲۳۷-۲۳۹).

طیب‌زاده (۱۳۸۵) در چارچوب دستور وابستگی^{۵۴} به بررسی ظرفیت فعل فارسی پرداخته‌است. وی هشت متمم برای فعل فارسی قائل است که یکی از آنها بند متممی است (همان‌جا: ۵۵). وی توجه به دو مسئله را در مورد افعال متمم‌پذیر شخصی حائز اهمیت می‌داند: یکی مطابقت فعل بند متممی با فاعل بند اصلی و دیگری وجه فعل بند متممی. طیب‌زاده برای مسئله نخست سه امکان را در نظر می‌گیرد: لزوم وجود مطابقت، لزوم عدم وجود مطابقت و نیز امکان‌پذیر بودن هر دو. وی برای هر یک از این سه دسته تعدادی فعل به‌عنوان مثال می‌آورد (همان‌جا: ۱۴۴-۱۴۷).

مسئله حائز اهمیت دوم در مورد بندهای متممی، از نظر طیب‌زاده، وجه فعل بند متممی است که سه صورت ممکن است داشته‌باشد که عبارت‌اند از: لزوم التزامی بودن وجه فعل بند متممی، لزوم التزامی نبودن آن و حالت سوم امکان‌پذیر بودن هر دو. لازم است یادآوری شود که وی در بررسی این مسئله تنها حالتی را در نظر گرفته که بند پایه، خبری و غیرپرسشی باشد و فعل اصلی بند پایه، در زمان مضارع صرف شده‌باشد. او برای هر یک از این سه دسته نمونه‌هایی از افعال فارسی مثال می‌آورد (همان‌جا: ۱۴۷-۱۴۹).

تقسیم‌بندی ارائه‌شده از سوی طیب‌زاده برای مقولاتی که در زبان فارسی بند متممی می‌پذیرند درخور توجه است و تا پیش از او به این شکل سابقه نداشته‌است. نکاتی را نیز که وی در چارچوب دستور وابستگی در مورد کاربرد بندهای متممی به آن توجه می‌کند، یعنی وجه فعل بند متممی و مطابقت فاعل بند اصلی با فعل بند متممی، تا حدی می‌توان مشابه مسائلی دانست که در چارچوب نقشی- رده‌شناختی، به ترتیب در قالب صورت فعل و رمزگذاری مشارک‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳. مفاهیم بنیادین

در این بخش مبانی نظری پژوهش و مفاهیم کلیدی مورد استفاده در آن طرح می‌شود. مطالبی که در این قسمت عنوان می‌شود، در اساس، بر مبنای کتاب کریستوفارو

(Cristofaro 2005) است که وابسته‌سازی را با رویکردی نقشی - رده‌شناختی بررسی کرده‌است (ر.ک. ۲-۱). علاوه بر این کتاب که مبنای چارچوب اصلی است، از ویراست جدید مقاله ماندگار نونان (Noonan 2007 [1985]) و چند اثر دیگر نیز که در جای خود معرفی خواهند شد، استفاده شده‌است.

۱-۳ رویکرد نقشی - رده‌شناختی

رویکرد رده‌شناسی، در تقابل با رویکردهای دیگر در مطالعه زبان، نظیر ساخت‌گرایی^{۵۵} و دستور زایشی^{۵۶}، به مطالعه وجوه اشتراک و افتراق زبان‌های بشری می‌پردازد و می‌کوشد تا محدودیت‌های حاکم بر این افتراق را به شیوه‌ای عینی آشکار سازد. رده‌شناسی از نظر اهمیتی که در زبان برای نقش^{۵۷} در مقابل صورت^{۵۸} قائل است، با نقش‌گرایی^{۵۹} همسوست و به همین دلیل تحت عنوان رویکرد نقشی - رده‌شناختی شهرت یافته‌است (Croft 2003a: 2 & b: 396). هدف اصلی در این رویکرد، مقایسه دستور زبان‌های مختلف با هم و آشکار کردن الگوهای نظام‌مند تنوعات موجود در زبان‌های دنیاست و در این مقایسه، عوامل نقشی (و نه عوامل ساختاری) در تمام سطوح تحلیل دارای نقش محوری هستند (Cristofaro 2005: 4-5).

در رویکرد سنتی و نیز در رویکردهای صورت‌گرا، از جمله رویکرد زایشی، وابسته‌سازی معمولاً بر پایه ملاک‌های واژ- نحوی نظیر درونه‌سازی بند^{۶۰} که در آن بند درونه‌ای نقش یکی از سازه‌های بند دیگر را بازی می‌کند و نیز بی‌زمان بودن فعل در بند پیرو تعریف می‌شود، اما به دلیل تفاوت صوری زبان‌ها با یکدیگر، ملاک‌های واژ- نحوی نمی‌توانند در بررسی‌های رده‌شناختی و بین‌زبانی کاربرد زیادی داشته‌باشند. رویکرد نقشی - رده‌شناختی، در اساس، وابسته‌سازی را به گونه‌ای متفاوت با رویکردهای پیش‌گفته تعریف می‌کند. این رویکرد در پی ارائه مفهومی نقش‌گرایانه از وابسته‌سازی است که در آن وابسته‌سازی به‌عنوان ابزاری برای ایجاد ارتباط شناختی بین دو رویداد^{۶۱} در نظر گرفته می‌شود که یکی از آنها (که رویداد وابسته نامیده می‌شود) ماهیت مستقل

55. Structuralism

56. Generative Grammar

57. function

58. form

59. Functionalism

60. clausal embedding

61. event

ندارد و تنها در پرتو رویداد دیگر (که رویداد اصلی خوانده می‌شود) قابل شرح است (LANGACKER: 435-437 به نقل از: Cristofaro 2005:1-3) مثلاً در جمله:

4. After she drank the wine, she went to sleep.

شرح رویداد به خواب رفتن (رویداد اصلی) مورد نظر است نه نوشیدن شراب (رویداد وابسته).

در این رویکرد غالباً برای اشاره به رویداد، از اصطلاح وضعیت امور^{۶۲} استفاده می‌شود و منظور از آن درک چیزی است که ممکن است در یک دنیا وجود داشته باشد و بتوان آن را برحسب هستی‌اش ارزیابی کرد. وضعیت امور از دستور نقش‌گرا گرفته شده و باید آن را اصطلاحی فراگیر برای آنچه معمولاً رویداد، حالت^{۶۳}، موقعیت^{۶۴} و نظایر آن نام می‌گیرد، دانست^{۶۵} (Cristofaro 2005: 25-26).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، آنچه در تعریف نقش‌گرایانه وابسته‌سازی مهم است رابطه شناختی موجود بین وضعیت‌هاست و نه صرفاً نوع بندهایی که در این ارتباط شرکت می‌کنند. به این معنا که در این مفهوم، وابسته‌سازی مستقل از ویژگی‌های صوری بند و انواع مختلف اتصال بند در زبان‌های گوناگون عمل می‌کند و در نتیجه به شکل بینابانی قابل بررسی است. در عوض، در طبقه‌بندی ساخت‌های مورد استفاده برای نمایش وضعیت وابسته، از یک معیار بنیادین جهانی بهره می‌گیرد و آن بررسی این نکته است که ساختار بند وابسته با ساختار بند خبری غیروابسته^{۶۶} در زبان مورد بررسی تفاوت دارد یا نه (Ibid: 2-3).

به گفته کریستوفارو، تعیین انحراف از استاندارد بند خبری غیروابسته با توجه به دو پارامتر عمده امکان‌پذیر است: صورت فعل و رمزگذاری مشارک‌ها. تنوع ساختاری بندهایی را که وضعیت‌های وابسته در آنها رمزگذاری می‌شود (= بند‌های وابسته)، می‌توان با دو متغیر عمده مورد بررسی قرار داد. این دو متغیر مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند و در نتیجه می‌توانند به صورت‌های گوناگون با هم ترکیب شوند و انواع گوناگونی را پدید آورند.

62. state of affairs

63. state

64. situation

۶۵. در این پژوهش، از این پس در برابر این اصطلاح، به اختصار معادل وضعیت قرار داده خواهد شد.

66. independent declarative clause

وی معتقد است توزیع بینابانی پدیده‌های مربوط به صورت فعل و رمزگذاری مشارک‌ها، در ارتباط با انواع گوناگون روابط وابسته‌سازی، از الگوهای منظمی پیروی می‌کند و این الگوهای منظم تنوع را می‌توان به صورت چند سلسله‌مراتب تلویحی بیان کرد (Ibid).

۱-۱-۳ صورت فعل

کریستوفارو به نقل از استیسن (STASSEN) بیان می‌کند که زبان ممکن است به منظور رمزگذاری دو وضعیت به هم پیوسته، که با ترتیب زمانی ثابتی رخ می‌دهند، از دو راهکار بنیادین استفاده کند. از یک سو ممکن است هر دو وضعیت را با صورت فعل یکسانی رمزگذاری کند، به نحوی که هریک از آن دو بتواند در بند غیر وابسته به کار رود. این راهکار هم‌ترازی^{۶۷} نامیده می‌شود و ممکن است دو تجلی ساختاری داشته باشد: یا دو بند به سادگی هم‌جوار می‌شوند و یا به وسیله یک حرف ربط به هم می‌پیوندند، اما در هر حال ساختار هر دو بند بدون تغییر باقی می‌ماند. از سوی دیگر، یکی از دو وضعیت به هم پیوسته ممکن است به وسیله نوعی صورت فعل بیان شود که امکان کاربرد در بند غیر وابسته را نداشته باشد. این راهکار تنزل یافتگی^{۶۸} نامیده می‌شود (STASSEN 1985: 79-83) به نقل از: (CRISTOFARO 2005, 54-55).

صورت فعلی تنزل یافته^{۶۹} و صورت فعلی هم‌تراز^{۷۰} از دو جنبه با یکدیگر تفاوت دارند: الف) همه یا بخشی از تمایزات مقوله‌ای نظیر زمان دستوری، نمود، وجه یا شخص که به طور معمول در مورد افعال مطرح است، از صورت فعلی تنزل یافته حذف می‌شود. ب) استفاده از برخی از نشانه‌ها^{۷۱} در بند غیر وابسته مجاز نیست، از جمله نشانه‌های صفتی و اسمی نظیر نشانه‌های مطابقت حالت و جنس، یا نشانه‌های خاصی از زمان دستوری، نمود، وجه یا شخص.

به عبارت دیگر، چنانچه تمایزات زمان دستوری، نمود، وجه یا مطابقت شخص، به همان صورتی که در فعل اصلی نشان داده می‌شود در فعل وابسته نیز نشان داده شود، صورت فعلی مربوط، هم‌تراز است. اگر یکی از این تمایزات در فعل وابسته بیان نشود و یا به صورتی که در فعل غیر وابسته نشان داده می‌شود، نشان داده نشود، صورت فعلی

67. balancing

68. deranking

69. deranked

70. balanced

71. marker

مربوط را باید تنزل یافته دانست. عامل دیگری که در این زمینه دخیل است استفاده از نشانه‌های صفتی و اسمی، نظیر نشانه‌های حالت یا حروف اضافه^{۷۲} بر روی فعل وابسته است. بررسی‌های رده‌شناختی نشان داده که فعل وابسته، علاوه بر نداشتن ویژگی‌های متعارف فعل نظیر تمایزات وجه، زمان دستوری، نمود و نیز مطابقت شخص، ممکن است برخی ویژگی‌های اسمی یا صفتی نیز از خود نشان دهد. این فرایند شناخته شده صورت‌های متنوعی را که معمولاً با عنوان‌هایی کلی نظیر مصدر^{۷۳}، وجه وصفی^{۷۴}، اسم مصدر^{۷۵} و اسم‌سازی^{۷۶} به آن اشاره می‌شود، دربر می‌گیرد. نتیجه این بحث، در جدول (۱) خلاصه شده است (Cristofaro 2005: 74).

جدول ۱: صورت فعل: متغیرهای دخیل در هم‌ترازی و تنزل‌یافتگی

متغیرها	هم‌ترازی	تنزل‌یافتگی
تمایزات وجه، زمان دستوری و نمود / تمایزات مطابقت شخص:	-	+
در بند وابسته نشان داده نشود	-	+
در بند وابسته به شیوه‌ای متفاوت با بند اصلی نشان داده شود	-	+
اضافه شدن نشانه‌های اسمی / صفتی به فعل بند وابسته	-	+

۲-۱-۳ رمزگذاری مشارک‌ها

هر مشارک در قالب یک موضوع فعل^{۷۷} بیان می‌شود. کریستوفارو، به پیروی از دیکسون (Dixon 1994)، موضوع فعل ناگذرا^{۷۸} را S و دو موضوع فعل گذرا^{۷۹} را A و O می‌نامد. این موضوع‌ها می‌توانند بر اساس سه الگوی انطباق^{۸۰} عمده مرتب شوند: فاعلی-مفعولی^{۸۱}، کنایی-مطلق^{۸۲} و معلوم-ایستا^{۸۳}. در درون برخی از زبان‌ها، در برخی شرایط، در قلمروهای دستوری مختلف در این الگوها دوگانگی^{۸۴} دیده شده است.

- | | | |
|---------------------------|-------------------------|-----------------------|
| 72. adpositions | 73. infinitive | 74. participle |
| 75. verbal noun | 76. nominalization | 77. verb argument |
| 78. intransitive | 79. transitive | 80. alignment pattern |
| 81. nominative-accusative | 82. ergative-absolutive | 83. active-stative |
| 84. split | | |

به گفته کریستوفارو، در برخی زبان‌ها الگوهای انطباق در بندهای وابسته به شکل قابل توجهی تغییر می‌کنند. مشارک‌های مشترک بین دو وضعیت اصلی و وابسته در بند وابسته ذکر نمی‌شوند و قواعد مربوط به نقش این موضوع‌ها از الگوهای حاکم بر رمزگذاری موضوع‌ها در سطح درون بند^{۸۵} پیروی نمی‌کند.

به گفته وی، در بررسی بندهای وابسته، باید در زمینه رمزگذاری مشارک‌ها به این نکات توجه کرد: در بندهای وابسته و غیروابسته از الگوی انطباق یکسانی استفاده می‌شود یا نه، موضوع‌های فعل به‌طور آشکار در بندهای وابسته ذکر می‌شوند یا نه، و دیگر اینکه مشارک‌ها به‌صورت غیرفاعلی^{۸۶} یا ملکی^{۸۷} رمزگذاری می‌شوند یا نه.

در زمینه ذکر نشدن آشکار مشارک‌های فعل، ذکر این نکته ضروری است که این مسئله به‌طور خاص زمانی پیش می‌آید که مشارک مورد نظر بین بند اصلی و بند وابسته مشترک باشد و یا اطلاعات مربوط به آن به‌سهولت قابل بازیابی باشد. در این صورت این مشارک به‌طور معمول از بند وابسته حذف می‌شود. اشتراک مشارک‌ها می‌تواند نتیجه منطقی ماهیت رابطه‌ای باشد که دو بند اصلی و وابسته را به هم پیوند داده است (Cristofaro 2005: 77). به‌عنوان مثال، رابطه متممی و جهی متضمن آن است که فاعل بند اصلی و فاعل بند وابسته هم‌مرجع باشند و از این رو مشارک فاعل در بند وابسته حذف می‌شود.

۲-۳ انواع بند متممی

یافته‌های رده‌شناختی حاکی از آن است که بند متمم در زبان‌های دنیا انواع گوناگونی می‌تواند داشته باشد و حتی در یک زبان نیز می‌تواند، بسته به کاربرد، صورت‌های مختلف به خود بگیرد. نونان (Noonan 2007: 75) مهم‌ترین انواع بندهای متممی را بندهای اخباری، التزامی، هم‌پایه^{۸۸}، مصدری، اسمی و وصفی می‌داند و دو نوع اول، یعنی بندهای اخباری و التزامی را در زمره بندهای جمله‌گون به حساب می‌آورد.

به اعتقاد او، بند متممی جمله‌گون یکی از متداول‌ترین انواع بند در زبان‌های دنیاست. در این نوع بند، با حذف نشانه وابسته‌سازی، بند متممی تا حد زیادی از لحاظ

85. intraclausal level

86. oblique

87. possessor

88. paratactic

نحوی شبیه جمله اصلی می‌شود و در آن، فعل از لحاظ نحوی و معنایی و نیز نقشی که در جمله ایفا می‌کند، فعل باقی می‌ماند و همان روابط نحوی‌ای را که فعل در بندهای غیر وابسته و اصلی با فاعل و نیز موضوع‌هایش دارد، با فاعل و موضوع‌های خود برقرار می‌کند (Ibid: 59-61).

در بسیاری از زبان‌های دنیا، بیش از یک نوع بند جمله‌گون وجود دارد. در این شرایط، آن نوعی که شباهت بیشتری به بندهای اصلی خبری دارد، بند جمله‌گون اخباری نامیده می‌شود. به گفته نونان، می‌توان به بندهای جمله‌گون غیر اخباری، با اصطلاح التزامی که از دید او از لحاظ معنایی خنثی است، اشاره کرد. به اعتقاد او، یکی از تفاوت‌های این دو نوع بند جمله‌گون این است که فعل بند جمله‌گون التزامی نسبت به فعل بند جمله‌گون اخباری، امکانات تصریفی کمتری دارد (Ibid: 61-62).

۱-۲-۳ فعل‌های متمم‌پذیر

همان‌گونه که پیش‌تر عنوان شد، فعل‌های متمم‌پذیر فعل‌هایی هستند که در جایگاه یکی از وابسته‌های اجباری خود (نظیر فاعل و مفعول)، به جای گروه اسمی، بند متممی می‌پذیرند و حذف بند متممی از جمله حاصل، به غیر دستوری شدن آن می‌انجامد (Ibid: 52-53).

در بیشتر آثار موجود، بر سر ارائه طبقه‌بندی معنایی برای فعل‌های متمم‌پذیر اتفاق نظر وجود دارد، اما در برخی از موارد، طبقه‌بندی‌های ارائه شده با یکدیگر، از نظر تعداد و نوع، تفاوت دارند.

کریستوفارو تحلیل خود را از روابط متممی و به تبع آن فعل‌های متمم‌پذیر، بر مبنای نونان (NOONAN 1985) بنا کرده است. وی به پیروی از این اثر، فعل‌های متمم‌پذیر را به هشت طبقه تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. فعل‌های وجهی؛
۲. فعل‌های مرحله‌ای؛
۳. فعل‌های بهره‌کشی؛
۴. فعل‌های آرزویی؛
۵. فعل‌های ادراکی؛

۶. فعل‌های آگاهی؛

۷. فعل‌های نگرش گزاره‌ای؛

۸. فعل‌های نقل‌قولی (Cristofaro 2005: 99)

در پژوهش حاضر، این طبقه‌بندی مبنا قرار گرفته است. توضیح هر یک از این طبقات در بخش تحلیل فعل‌های متمم‌پذیر فارسی ارائه خواهد شد.

۴ بررسی فعل‌های متمم‌پذیر فارسی

۴-۱ طبقات معنایی فعل‌های متمم‌پذیر فارسی

در این بخش به توصیف و تحلیل نمونه‌های متمم‌افزایی در زبان فارسی امروز در چارچوب رویکرد نقشی-رده‌شناختی می‌پردازیم، اما پیش از ورود به بحث اصلی، بیان توضیحی ضروری به نظر می‌رسد.

وضعیت‌های وابسته در زبان فارسی، علاوه بر بندهای جمله‌گون، هر چند به‌طور بسیار محدود، در قالبی دیگر نیز تجلی می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در زبان فارسی، از میان هشت طبقه معنایی که برای فعل‌های متمم‌پذیر در چارچوب نظری حاضر بر شمرده شد، تنها در فعل‌های مرحله‌ای که آغاز، ادامه و پایان وضعیت وابسته را نشان می‌دهند، وضعیت وابسته با بندهای جمله‌گون صورت‌بندی نمی‌شود. به‌عنوان نمونه:

۵. شروع به دویدن کرد.

۶. او به صحبت کردن ادامه داد.

در رویکرد مورد بحث، هر یک از دو جمله فوق از دو وضعیت تشکیل شده است یکی وضعیت اصلی که به شروع کردن کسی به کاری در جمله نخست و ادامه دادن کاری در جمله دوم دلالت دارد و دیگری وضعیت وابسته که انجام آن کار توسط او را بیان می‌کند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در این موارد و موارد مشابه، زبان فارسی وضعیت وابسته را در قالب وجه مصدری و در درون بند اصلی رمزگذاری می‌کند و جمله حاصل، از دید رویکردهای سنتی، یک جمله ساده به حساب می‌آید.

به دلیل اینکه در پژوهش حاضر تنها به تجلی وضعیت وابسته متممی در قالب

بند‌های جمله‌گون فارسی پرداخته می‌شود، فعل‌های مرحله‌ای از حیطه بررسی خارج می‌شوند و فعل‌های متمم‌پذیر فارسی در هفت طبقه معنایی دیگر بررسی می‌شوند. به‌منظور انجام این بررسی، ابتدا طبقات معنایی فعل‌های متمم‌پذیر در زبان فارسی، هریک به‌طور جداگانه، معرفی می‌شوند و ذیل هریک، فهرستی از پرکاربردترین و ترجیحاً بی‌نشان‌ترین فعل‌های رایج در آن حوزه معنایی در زبان فارسی ارائه می‌شود. سپس با ارائه نمونه‌هایی از کاربرد فعل‌های موجود در هر طبقه، هریک از این طبقات به‌طور جداگانه، بر اساس معیارهای رده‌شناختی پیش‌گفته، توصیف و تحلیل می‌شود و ویژگی‌های نحوی و معنایی فعل‌های مورد استفاده در آن طبقه معنایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پایان، بر اساس تحلیل‌های ارائه‌شده از طبقات معنایی فعل‌های متمم‌پذیر فارسی، سلسله‌مراتبی برای شیوه کاربرد آنها در زبان فارسی پیشنهاد خواهد شد.

۴-۱-۱ فعل‌های وجهی

در رویکرد نقشی- رده‌شناختی، فعل‌هایی وجهی به حساب می‌آیند که در بردارنده مفاهیم دو وجه درخواستی و توانمندی باشند و مفهوم وجه برداشتی - که در بیشتر آثار موجود یکی از انواع اصلی وجه دانسته شده است (به‌عنوان نمونه: PALMER 1986; Von Wright 1951; Noonan 1985) - در این رویکرد به پیروی از نونان (1974, 1979, 1986, 2001)، از حوزه وجه کنار گذاشته شده است. فعل‌های حاوی معنای این وجه به‌طور مستقل ذیل فعل‌های نگرش‌گزاره‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرند. در ادامه به بررسی فعل‌های وجهی درخواستی و توانمندی در زبان فارسی می‌پردازیم.

فعل‌های وجهی درخواستی فعل‌هایی هستند که در کاربرد خبری آنها اجازه وقوع وضعیتی که در بند وابسته بیان می‌شود صادر می‌شود (امکان) و یا بیان می‌شود که در وقوع آن وضعیت اجبار وجود دارد و انتخابی در میان نیست (اجبار). به‌گفته پالمر (Palmer 1986: 96) وجه درخواستی همواره به یک کنش^{۸۹} مربوط است، کنشی که یا از سوی خود‌گوینده و یا از سوی دیگران انجام می‌شود.

در فارسی امروز، متداول‌ترین فعل‌های وجهی درخواستی که برای صدور اجازه

به کار می‌روند عبارت‌اند از: گذاشتن (= اجازه دادن، مانع نشدن)، اجازه دادن/داشتن/گرفتن/خواستن و جز اینها، رخصت دادن و توانستن. فعل‌هایی که برای وضع اجبار مورد استفاده می‌گیرند شامل مجبور بودن، ناچار بودن و ناگزیر بودن می‌شوند. به نمونه‌هایی از کاربرد فعل‌های وجهی درخواستی توجه کنید^{۹۰}:

۷. چند نفر از خانم‌ها محض تفریح و خنده اجازه دادند که حوریه اداهای آنها را در بیاورد. (از صید ماهی تا پادشاهی، سردادور: ۵۷)
۸. اشاره کرد و در میان همه‌مردم گویا گفت که می‌توانم بروم و از نزدیک او را به خوبی ببینم. (سنگر و مقمه‌های خالی، صادقی: ۱۷۲)
۹. کدخدای علی به او رخصت داده بود که در اوورین کوچک او به دلخواه خود زراعت کند. (مرقد آقا، یوشیج: ۲۰)
۱۰. می‌خواست که در پی او بدود و همچنان‌که در خواب‌های کودکی بگذارد که او دستش را بگیرد و [...] (مانگدیم و خورشیدچهره، به‌آذین: ۲۶)
۱۱. مجبور بودم حرفشان را ببذیرم. (سگک و زمستان بلند، پارسی‌پور: ۵۶)
۱۲. ناچار بودیم با احتیاط خود را پس بکشیم. (راه رفتن روی ریل، تنکابنی: ۷۴)
۱۳. شاهین تا پاسی بیدار ماند و او هم ناگزیر شد بخوابد. (فهرمان ایرانشهر، پرتو: ۳۳)

دسته دیگر فعل‌های وجهی، فعل‌های توانمندی هستند. این فعل‌ها به توانایی نهاد جمله برای به وجود آوردن یک وضعیت اشاره می‌کنند. در آثار موجود، غالباً وجه توانمندی به دو نوع خنثی^{۹۱} و فاعل‌محور^{۹۲} تقسیم می‌شود. وجه توانمندی خنثی به امکان‌پذیر بودن رخداد مربوط می‌شود و در وجه توانمندی فاعل‌محور، قدرت فاعل جمله در به وجود آوردن وضعیت، مورد نظر است^{۹۳}.

۹۰. در این نمونه‌ها و سایر نمونه‌هایی که در این پژوهش از بیکره زبانی نقل می‌شود، هدف از مستندسازی، فراهم کردن امکان یافتن هر نمونه در پایگاه داده‌های زبان فارسی است، و در این پایگاه، جست‌وجوی هر مثال می‌تواند از طریق نام اثر یا نام پدیدآورنده و نیز شماره صفحه صورت گیرد. از این رو، در برابر هر نمونه، مجموعه اطلاعاتی با الگوی مقابل داده شده است: (نام اثر [کتاب، مقاله یا روزنامه] نام پدیدآورنده [در مورد کتاب و مقاله]، شماره صفحه). برای مشخص‌سازی کتاب از مقاله و مطلب مندرج در روزنامه، پیش از مقاله، نشانه m، و پیش از مطالب برگرفته از روزنامه، نشانه r آمده و نام کتاب بدون نشانه ذکر شده است.

91. neutral

92. subject oriented

۹۳. برای توضیح بیشتر در این زمینه و نیز درجه الزام از وجه توانمندی رجوع کنید به مقاله نگارنده با عنوان «بایستن، شدن و توانستن: سه فعل وجهی در فارسی امروز»، مندرج در مجله دستور، ش ۳، س ۱۳۸۵.

در چارچوب حاضر، در بررسی بندهای وابسته متممی، تنها به نوع فاعل محور از وجه توانمندی توجه شده است. در زبان فارسی امروز فعل‌های توانستن، قادر بودن، و عرضه داشتن برای بیان این مفهوم به کار می‌روند. به نمونه‌هایی از کاربرد این افعال در پیکره اشاره می‌کنیم:

۱۴. در روی زمین قدرتی شناخته نمی‌شد که بتواند از سقوط حتمی اش جلوگیری کند. (شوهر

آهو خانم، افغانی: ۱۲)

۱۵. زنش که عرضه ندارد آدمش بکند. (سووشون، دانشور: ۱۹۱)

۱۶. هیچ‌کس قادر نیست فرمان سرنوشت و تقدیر را عوض کند. (ده مرد رشید، آربن پور: ۶۰)

در ادامه ویژگی‌های فعل‌های متمم‌پذیر وجهی فارسی، در بخش‌های مجزا، مورد

بررسی قرار می‌گیرند.

۴-۱-۱-۱ صورت فعل

در کاربرد فعل‌های متمم‌پذیر وجهی، صورت فعل بند وابسته تنزل یافته است؛ زیرا این

فعل بدون توجه به زمان، وجه و نمود مورد اشاره در بند اصلی، همواره صورت حال

التزامی دارد و بند حاوی آن به‌طور مستقل به کار نمی‌رود.

جدول ۲: تنزل یافتگی یا هم‌ترازی فعل بند وابسته در کاربرد فعل‌های وجهی زبان فارسی

با ج. = با جزء غیرفعلی؛ ت = تنزل یافته

با ج. اجازه	توانستن	با ج. رخصت	گذاشتن	با ج. مجبور	با ج. ناچار	با ج. ناگزیر	توانستن	عرضه داشتن	قادر بودن
ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت

۴-۱-۱-۲ رمزگذاری مشارک‌ها

در کاربرد فعل‌های وجهی، در بیشتر موارد فاعل بند وابسته با یکی از مشارک‌های

بند اصلی (و بیشتر با فاعل بند اصلی) هم‌مرجع و در حالت بی‌نشان محذوف است. تنها

در مورد تعداد کمی از فعل‌ها (به‌عنوان نمونه گذاشتن و برخی از کاربردهای اجازه دادن)

فاعل بند وابسته می‌تواند در روستاخت حضور داشته باشد، آن هم صرفاً در شرایطی که

با مشارک‌های بند اصلی هم‌مرجع نباشد و اطلاعات مربوط به آن را از طریق بافت نتوان بازیابی کرد.

جدول ۳: هم‌مرجعی فاعل بند وابسته با فاعل بند اصلی در فعل‌های درخواستی امکان
- = الزاماً غیر هم‌مرجع؛ + = الزاماً هم‌مرجع؛ -/+ = هم‌مرجع و غیر هم‌مرجع، هر دو ممکن است

اجازه دادن	اجازه فرمودن	اجازه یافتن	اجازه داشتن	اجازه گرفتن	اجازه خواستن	توانستن دادن	رخصت یافتن	رخصت گرفتن	گذاشتن
-	-	+	+	-/+	-/+	+	+	+	-

جدول (۳) هم‌مرجعی فاعل بند وابسته با فاعل بند اصلی در فعل‌های درخواستی امکان را نشان می‌دهد. همان‌گونه که از این جدول برمی‌آید، در بیان مفهوم امکان از این طبقه معنایی، گاه دو فاعل الزاماً باید غیر هم‌مرجع باشند و گاه هم‌مرجع بودن آنها برای دستوری و خوش ساخت بودن جمله ضروری است. در مواردی نیز دو فاعل، هم می‌توانند هم‌مرجع باشند و هم غیر هم‌مرجع. جدول (۴) همین مسئله را در مورد فعل‌های درخواستی اجبار و فعل‌های توانمندی از طبقه معنایی وجهی نشان می‌دهد.

جدول ۴: هم‌مرجعی فاعل بند وابسته با فاعل بند اصلی در فعل‌های درخواستی اجبار و فعل‌های توانمندی
- = الزاماً غیر هم‌مرجع؛ + = الزاماً هم‌مرجع

مجبور بودن	مجبور شدن	ناچار بودن	ناچار شدن	ناگزیر بودن	ناگزیر شدن	توانستن داشتن	عُرضه داشتن	قادر بودن	قادر ساختن
+	+	+	+	+	+	+	+	+	-

۲-۱-۴ فعل‌های آرزویی

فعل‌های آرزویی فعل‌هایی هستند که آرزوی تجربه‌گر را برای تحقق وضعیت وابسته نشان می‌دهند. وضعیت وابسته ممکن است توسط شخص تجربه‌گر یا فرد دیگری محقق شود. در زبان فارسی امروز فعل‌های آرزو داشتن / کردن، آرزومند بودن، امید داشتن،

امیدوار بودن، مایل بودن، میل داشتن و مشتاق بودن از جمله فعل‌هایی هستند که برای بیان این مفهوم به کار می‌روند. در ادامه به نمونه‌هایی از کاربرد این افعال اشاره می‌کنیم:

۱۷. وقتی جوان‌تر بودم آرزو داشتم دور دنیا را بگردم حالا شور و شوقی ندارم. (چهارراه، علیزاده: ۸۳)

۱۸. آرزو کرد زودتر بمیرد تا زودتر به سروفتش بیایند. (اسیر خاک، آموزگار: ۱۰۰)

۱۹. وبا بیداد می‌کرد، زن آرزومند بود وبا بگیرد. (طوبا و معنای شب، پارسی‌پور: ۲۳)

۲۰. ته دلش امید داشت که پسر یا شوهرش به دنبالش بیایند. (سوشون، دانشور: ۱۳۸)

۲۱. ولی من منتظر می‌مانم، بی‌جهت امیدوار است که من شروع بکنم. (سنگر و قمقه‌های خالی، صادقی: ۱۵۷)

۲۲. مایل نبود سروان سیاوش بفهمند از تازه‌واردین است. (چهارراه، علیزاده: ۲۶)

۲۳. به سفیر گفتم شاه مشتاق است بدانند که سبب رنجش شما چیست. (ر. ایوان - تاریخی ۱-۱۳۸۰: ۵۹۴)

۲۴. خیلی میل دارم تو را از رویه‌رو بزنم. (درد اول قبر، چوبک: ۳۲)

۴-۱-۲-۱ صورت فعل

در کاربرد فعل‌های بیانگر مفهوم آرزو، صورت فعل بند وابسته در بیشتر موارد تنزل یافته است و بدون توجه به زمان، وجه و نمود مورد اشاره در بند اصلی، همواره صورت حال التزامی دارد (نظیر آرزومند بودن، امید داشتن، مایل بودن، مشتاق بودن و میل داشتن). اما در مورد برخی فعل‌های آرزویی نیز امکان اینکه فعل بند وابسته هم‌تراز باشد وجود دارد (مانند آرزو داشتن، آرزو کردن و امیدوار بودن). به عنوان نمونه:

۲۵. زن‌بابا امیدوار بود که بچه‌اش زنده به دنیا خواهد آمد. (قصه‌های پهننگ، بهرنگی: ۳۹)

نکته شایان توجه این است که در این‌گونه موارد نیز امکان جایگزین کردن صورت هم‌تراز با صورت تنزل یافته وجود دارد (در مثال فوق به دنیا بیاید به جای به دنیا خواهد آمد) و صورت تنزل یافته را می‌توان صورت بی‌نشان دانست.

نکته دیگر اینکه در مورد برخی از فعل‌های آرزویی (نظیر آرزو داشتن، آرزو کردن امید داشتن، امیدوار بودن) هیچ تلویحی در مورد زمان تحقق وضعیت وابسته وجود ندارد و امکان تحقق آن در گذشته نیز هست. در این‌گونه موارد، چنانچه تحقق وضعیت وابسته در زمان گذشته مورد نظر باشد، فعل بند وابسته به صورت گذشته التزامی و نه

حال التزامی می‌آید، در اینجا هم زمان فعل بند اصلی در صورت فعل بند وابسته تأثیری ندارد و گذشته بودن آن صرفاً به دلیل ارجاع وضعیت مورد نظر به زمان گذشته اتفاق می‌افتد. به عنوان نمونه:

۲۶. گزل خسته و بی‌رمق شده بود و فقط امید داشت که توانسته باشد اسب و سوار را هم از رمق ببندارد. (آهوی بخت من گزل، دولت آبادی: ۶)

در مثال فوق آنچه مورد آرزوست، نسبت به زمان آرزو کردن در پیوستار زمان، به گذشته تعلق دارد. به این معنا که فرد آرزو می‌کند و امید دارد که وضعیتی در گذشته محقق شده باشد. اگر فعل بند وابسته را در این مثال، از گذشته التزامی به صورت حال التزامی درآوریم، جمله همچنان دستوری باقی می‌ماند اما معنای آن متفاوت می‌شود. به نظر می‌رسد که ویژگی اصلی تنزل یافتگی فعل در این فعل‌ها صرف شدن آن در وجه التزامی باشد و زمان فعل در این موارد تا حدودی از طریق ویژگی‌های معنایی تعیین شود. جدول (۵) وضعیت فعل‌های متمم‌پذیر آرزویی را از نظر هم‌ترازی/ تنزل به طور خلاصه نشان می‌دهد^{۹۴}:

جدول ۵: تنزل یافتگی یا هم‌ترازی فعل بند وابسته در کاربرد فعل‌های آرزویی زبان فارسی

ت = تنزل یافته؛ ت/ه = گاهی تنزل یافته، گاهی هم‌تراز

آرزو داشتن	آرزو کردن	آرزومند بودن	امید داشتن	امیدوار بودن	مایل بودن	مشتاق بودن	میل داشتن
ت/ه	ت/ه	ت	ت	ت/ه	ت	ت	ت

۲-۱-۴-۲ رمزگذاری مشارک‌ها

در کاربرد فعل‌های آرزویی، در بیشتر موارد، غیراز فاعل بند وابسته که می‌تواند با فاعل بند اصلی هم‌مرجع باشد و در این حالت به طور بی‌نشان محذوف است، مشارک مشترک دیگری بین بند وابسته و بند اصلی وجود ندارد.

۹۴. به دلیل اینکه نمونه‌های هم‌تراز فعل‌های آرزویی ممکن است به دلیل بسامد کمتر دیرتر به ذهن متبادر شوند، جهت روشن‌تر شدن مطلب، برای هر مورد یک نمونه از پیکره نقل می‌شود: آرزو داشتنم دود سیگار رئیس‌م بودم و [...] (سگ و زمستان بلند، پارسی‌پور: ۷۶)؛ آرزو می‌کرد که کاش مادری مثل او داشت. (قصه‌های بهرنگ، بهرنگی: ۱۴)؛ امیدوار بود که تجربه‌هایش بالاخره او را به مقصد خواهند رساند. (ر. ایران - هنری ۱-۱۳۸۰: ۲۳۹)

در مورد همه فعل‌های این طبقه این امکان هم وجود دارد که فاعل بند وابسته با فاعل بند اصلی هم مرجع نباشد. در این حالت، این فاعل می‌تواند چه به صورت ضمیری و چه به صورت گروه اسمی کامل، در روساخت جمله حضور داشته باشد.

جدول (۶) هم مرجع بودن یا نبودن فاعل بند وابسته و اصلی در کاربرد فعل‌های این طبقه را نشان می‌دهد.

جدول ۶: هم‌مرجعی فاعل بند وابسته با فاعل بند اصلی در فعل‌های آرزویی زبان فارسی
+ = هم‌مرجع؛ - = غیر هم‌مرجع؛ -/+ = هم‌مرجع و غیر هم‌مرجع، هر دو ممکن است

آرزو داشتن	آرزو کردن	آرزومند بودن	امید داشتن	امیدوار بودن	مایل بودن	مشتاق بودن ^{۹۵}	میل داشتن
-/+	-/+	-/+	-/+	-/+	-/+	+	-/+

۳-۱-۴ فعل‌های بهره‌کشی

اصطلاح فعل‌های بهره‌کشی برای اشاره به دو دسته فعل به کار می‌رود. دسته اول فعل‌هایی که با به کار بردن آنها نهاد بند اصلی یا سبب^{۹۶} موجب می‌شود که وضعیت مورد نظر در بند وابسته توسط مسبب تحقق یابد. کریستوفارو، به پیروی از نونان (NOONAN 1985: 125-127)، این دسته را عبارات سببی^{۹۷} می‌نامد و نمونه آنها را در زبان انگلیسی make و force عنوان می‌کند. در این فعل‌ها، وضعیت وابسته به طور قطع تحقق می‌یابد. دسته دوم فعل‌های بهره‌کشی فعل‌هایی هستند که تحقق وضعیت وابسته در آنها قطعی نیست و مسبب می‌تواند برخلاف میل سبب عمل کرده، از ایجاد وضعیت وابسته خودداری کند. کریستوفارو این دسته را عبارات تقاضایی^{۹۸} می‌نامد و برای نمونه آن در زبان انگلیسی فعل‌های order و ask را ذکر می‌کند.

دیرمقدم (۱۳۸۴: ۲۰-۲۱) با تقسیم‌بندی مشابهی بر اساس ملاک تضمین معنای ضمنی، دسته اول از فعل‌های بهره‌کشی فوق‌الذکر را دارای معنای ضمنی مثبت و دسته دوم

۹۵. ممکن است خواننده جمله «من مشتاق بودم که او برود» را دلیلی بر امکان غیر هم‌مرجع بودن فاعل بند وابسته با بند اصلی بداند. نمونه این کاربرد، هرچند صحیح است، در پیکره زبانی مورد بررسی دیده نشده و به همین دلیل در مورد فعل مشتاق بودن تنها امکان هم‌مرجع بودن دو فاعل در نظر گرفته شده است.

96. causer

97. causation

98. request

را فاقد معنای ضمنی می‌نامد و به‌عنوان نمونه دسته اول در زبان فارسی، فعل‌های باعث شدن، گذاشتن، وادار کردن، و مجبور کردن را ذکر می‌کند. وی معتقد است فعل‌های گفتن، خواهش کردن، اجازه دادن، نصیحت کردن و دستور دادن نمونه دسته دوم و فاقد معنای ضمنی هستند^{۹۹}. او در این طبقه‌بندی به گروهی دیگر نیز قائل است که اعضای آن را دارای معنای ضمنی منفی می‌داند و دو فعل جلوگیری کردن و بازداشتن را در زبان فارسی برای آن ذکر می‌کند. از آنجایی که در کاربرد فعل‌های دسته آخر، به‌زعم این نگارنده، صورت بی‌نشان جمله حاوی بند متممی نیست، در پژوهش حاضر از این سه گروه تنها به دو گروه دارای معنای ضمنی مثبت و گروه فاقد معنای ضمنی پرداخته خواهد شد. لازم است یادآوری شود که دبیرمقدم عملکرد اختیاری فرایند نحوی مصدرساز^{۱۰۰} بر فعل‌های سببی دارای معنای ضمنی - چه مثبت و چه منفی - را یکی از وجوه تمایز گروه دارای معنای ضمنی و گروه فاقد معنای ضمنی دانسته است (همان‌جا: ۲۲)، اما به نظر می‌رسد که دو گروه دارای معنای مثبت و دارای معنای منفی، از نظر کاربرد بند متممی رفتار یکسانی نداشته‌باشند. در گروه اول، صورت بی‌نشان جمله در بیشتر موارد صورتی است که در آن بند متممی و نه صورت مصدری، به‌کار رفته‌باشد و در گروه دوم عکس این مسئله صدق می‌کند. پیکره زبانی مورد بررسی نیز این نکته را تأیید می‌کند.

در زبان فارسی فعل‌های مجبور ساختن، مجبور کردن، وادار ساختن، وادار کردن و واداشتن برای بیان بهره‌کشی با معنای ضمنی مثبت به‌کار می‌روند. در کاربرد این فعل‌ها سبب موجب می‌شود که وضعیتی که حاصل بهره‌کشی است (وضعیت وابسته)، توسط مسبب به‌طور قطع ایجاد شود. تصور تحقق نیافتن وضعیت وابسته در این فعل‌ها امکان‌پذیر نیست. دبیرمقدم (۱۳۸۴: ۲۲) این نکته را به‌خوبی نشان داده‌است (شماره مثال در اثر اصلی ۷ الف، ب و ج است):

۲۷- الف: مادر بچه‌ها را وادار کرد که [غذایشان را بخورند].

ب: ... و بچه‌ها غذایشان را خوردند.

پ: * ... و بچه‌ها غذایشان را نخوردند.

۹۹. لازم است یادآوری شود که در تحلیل حاضر فعل‌های گذاشتن و اجازه دادن در زمره فعل‌های وجهی مورد بررسی قرار گرفتند.

نکته دیگری که باید در این زمینه به آن اشاره کنیم این است که به اعتقاد کریستوفارو، بین فعل‌های بهره‌کشی دارای معنای مثبت تفاوت وجود دارد. در برخی از آنها سبب، مسبب را مورد بهره‌کشی قرار می‌دهد تا وضعیت حاصل از بهره‌کشی را تحقق بخشد (نظیر make). در برخی دیگر، صرفاً تحقق وضعیت وابسته به عنوان یک کل مورد اشاره است و نه عمل بهره‌کشی فرد فرد مشارک‌های این وضعیت‌ها. وی نمونه این فعل‌ها را فعل cause می‌داند. به گفته کریستوفارو، در بررسی‌های بینابانی، فعل‌های دسته اول مورد نظرند و فعل‌هایی نظیر cause مورد مطالعه قرار نمی‌گیرند (Cristofaro 2005: 104). نمونه فارسی فعل‌های دسته دوم باعث شدن، سبب شدن و موجب شدن هستند که به دلیل پیش‌گفته، در چارچوب حاضر و در نتیجه در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.

نمونه‌های ذیل کاربرد برخی از فعل‌های بهره‌کشی دارای معنای ضمنی مثبت را در فارسی امروز نشان می‌دهد:

۲۸. مامان برایش معلم سرخانه گرفت و مجبورش کرد که پیش او درس بخواند (درازنای شب، میرصادقی: ۸۲)

۲۹. وادارشان کرده بود پشت سرش به نماز بایستند. (طوبی و معنای شب، پارسی‌پور: ۷۸)
۳۰. او را دراز خواباند و ناظم را واداشت ده تا خط کش کف پایش بزند. (مدیر مدرسه، آل‌احمد: ۳۹)

همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم، در فعل‌های بهره‌کشی فاقد معنای ضمنی، تحقق وضعیت وابسته توسط مسبب قطعی نیست و مسبب می‌تواند به اختیار خود، برخلاف میل سبب عمل کند و از ایجاد وضعیت وابسته خودداری نماید. در فارسی امروز فعل‌های مرکب با جزء غیر فعلی امر، دستور و فرمان و نیز فعل‌های خواهش کردن، خواهشمند بودن، و نصیحت کردن در این معنا به کار می‌روند. به نمونه‌های ذیل توجه کنید:

۳۱. امر کرد تا زهرا از اتاق بیرون برود. (طوبی و معنای شب، پارسی‌پور: ۲۶)
۳۲. خواهش کردم این بار همه‌شان را به من ببخشند. (مدیر مدرسه، آل‌احمد: ۲۰)
۳۳. خواهشمندم زیر عکس بنده به اندازه کافی کاغذ سفید باقی بگذارند. (سنگر و قمقه‌های خالی، صادقی: ۱۲)
۳۴. مهتاب چون دستور بده ظهری چلوکبابو دس‌دس بیارن سر سفره. (عتری که لوطی‌اش مرده بود، چوبک: ۱۰۴)

۳۵. به کنیزانم فرمان می‌دهم تمام پنجره‌ها را ببندند. (یکگیا و تهنایی او، مدرسی: ۱۰۰)
 ۳۶. به او نصیحت می‌کنند که بعد از این قدری در آمد و رفت خود بیشتر احتیاط کند. (نیمه‌راه بهشت، نفیسی: ۲۰)

۴-۱-۳-۱ صورت فعل

در کاربرد هر دو گروه فعلی بیانگر مفهوم بهره‌کشی، صورت فعل بند وابسته تنزل یافته است و قطع نظر از ویژگی‌های فعل بند اصلی، همواره صورت حال التزامی دارد و بند حاوی آن به‌طور مستقل به‌کار نمی‌رود. جدول (۷) تنزل‌یافتگی یا هم‌ترازی را در فعل‌های این طبقه نشان می‌دهد:

جدول ۷: تنزل‌یافتگی یا هم‌ترازی در فعل‌های بهره‌کشی زبان فارسی

ت = تنزل یافته؛ ه = هم‌تراز

مجبور کردن	و اداری کردن	و اداشتن کردن	امر کردن	خواهش کردن	خواهشمند بودن	دستور دادن	فرمان دادن	فرمان یافتن	نصیحت کردن
ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت

۴-۱-۳-۲ رمزگذاری مشارک‌ها

در تمام فعل‌هایی که در مفهوم بهره‌کشی به‌کار می‌روند (چه از نوع دارای معنای ضمنی مثبت و چه از نوع فاقد معنای ضمنی) دو مشارک سبب و مسبب ایفای نقش می‌کنند. در هر دو گروه (جز در مورد فعل مرکب فرمان یافتن) سبب در قالب فاعل بند اصلی تجلی می‌یابد. در کاربرد فعل فرمان یافتن، به‌طور معمول سبب در جمله حضور ندارد. در زمینه تجلی مسبب این یکدستی وجود ندارد. در فعل‌های دارای معنای ضمنی مثبت، مسبب در قالب مفعول مستقیم بند اصلی تجلی می‌کند و در برخی موارد امکان تجلی به‌صورت ضمیر مفعولی متصل به جزء غیر فعلی را نیز دارد (فعل‌های مرکب با جزء غیر فعلی مجبور و وادار)، اما در فعل‌های فاقد معنای ضمنی، تجلی معمول مسبب در قالب گروه حرف‌افزای در بند اصلی است و تنها در یک مورد (فعل نصیحت کردن) است که مسبب در کنار تجلی در گروه حرف‌افزای، امکان تجلی به‌صورت

مفعول بند اصلی و ضمیر مفعولی متصل به جزء غیر فعلی را نیز دارد و در مورد یکی دیگر از فعل‌های این طبقه (فعل متمم‌پذیر فرمان یافتن) فاعل بند اصلی^{۱۰۱} است، اما علی‌رغم این تنوع، در همه موارد، فاعل بند وابسته که در حالت بی‌نشان محذوف است، با مسبب هم مرجع است.

در کاربرد فعل‌های بهره‌کشی، در بیشتر موارد، غیر از فاعل بند وابسته که با مفعول بند اصلی یا متمم حرف اضافه در گروه حرف اضافه‌ای بند اصلی هم مرجع است، مشارک مشترک دیگری بین بند وابسته و بند اصلی وجود ندارد. جدول (۸) وضعیت هم‌مرجعی فاعل بند وابسته و بند اصلی را در فعل‌های بهره‌کشی زبان فارسی نشان می‌دهد:

جدول ۸: هم‌مرجعی فاعل بند وابسته با فاعل بند اصلی در فعل‌های بهره‌کشی
 + = هم‌مرجع؛ - = غیر هم‌مرجع

مجبور کردن	و اداری کردن	وام داشتن	امر کردن	خواهش کردن	خواهشمند بودن	دستور دادن	فرمان دادن	فرمان یافتن	نصیحت کردن
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

۴-۱-۴ فعل‌های ادراکی

فعل‌های ادراکی بیانگر درک تجربه‌گر از یک وضعیت هستند. وضعیت‌هایی که در این رابطه متممی دخیل هستند یکی عمل ادراک است که در قالب بند اصلی بیان می‌شود و دیگری وضعیتی است که درک می‌شود که در قالب بند وابسته می‌گنجد؛ در این شرایط کل وضعیت وابسته، مفعول عمل ادراک است.

در زبان فارسی فعل‌های احساس کردن، حس کردن، دیدن^{۱۰۲} و شنیدن^{۱۰۳} از جمله

۱۰۱. به عنوان نمونه در جمله «فرمان یافت که فوراً خود را به شیراز رساند» (رابعه، مستعان: ۷۸) او فاعل محذوف بند اصلی و مسبب است.

۱۰۲. فعل دیدن در مفاهیم دیگری نیز به کار می‌رود، از جمله برای جلب توجه و گرفتن تأیید از مخاطب، برای بیان نامطلوب بودن پیشامدی که رخ داده و غیره (ر.ک. فرهنگ سخن، ج ۱) که هر چند متمم‌پذیرند، در اینجا مورد نظر نیستند.

۱۰۳. فعل شنیدن در معنای خبردار شدن از موضوعی، به صورت غیرمستقیم نیز به کار می‌رود و در این مفهوم نیز متمم‌پذیر است، اما در اینجا مورد نظر نیست و در بخش فعل‌های آگاهی به آن پرداخته خواهد شد.

فعل‌هایی هستند که برای بیان این مفهوم به کار می‌روند. به نمونه کاربرد آنها توجه کنید:

۳۷. احساس می‌کنم که چشم‌هایم را می‌سوزاند. (ملکوت، صادقی: ۵۶)

۳۸. حس می‌کردم بوی دود از درز پنجره‌ها به داخل اتاق می‌آید. (سگ و زمستان بلند، پارسی‌پور: ۷۷)

۳۹. دیده‌اند که پنجره شما روشن است، همه جا را واریس خواهند کرد. (پروین دختر ساسان، هدایت: ۲۶)

۴۰. صدای زینب را شنیدم که با لهجه دهاتی می‌گفت نوش جان. (ظلمات عدالت، پاینده: ۱۱۴)

۴-۱-۴-۱ صورت فعل

در کاربرد تمام فعل‌های ادراکی صورت فعل بند وابسته هم‌تراز است، زیرا این فعل صورت‌های صرفی مختلفی می‌پذیرد و صورت ثابتی ندارد. فعل بند وابسته در این شرایط می‌تواند به طور مستقل (در بند خبری غیر وابسته) نیز به کار رود.

جدول (۹) خلاصه مطالب گفته شده در خصوص تنزل‌یافتگی در فعل‌های ادراکی زبان فارسی را نشان می‌دهد:

جدول ۹: هم‌ترازی با تنزل‌یافتگی فعل بند وابسته در فعل‌های ادراکی در زبان فارسی

ه = هم‌تراز؛ ت = تنزل یافته؛ ه/(-) = هم‌تراز، گاه در صورت منفی بودن فعل بند اصلی تنزل یافته است

احساس کردن	حس کردن	دیدن	شنیدن
ه	ه	ه	ه

۴-۱-۴-۲ رمزگذاری مشارک‌ها

در کاربرد فعل‌های ادراکی، در تمام موارد، یکی از دو مشارک اصلی تجربه‌گر است که در قالب فاعل بند اصلی ایفای نقش می‌کند و عمل ادراک را انجام می‌دهد و دیگری آن چیزی است که ادراک می‌شود و الزاماً در قالب وضعیت وابسته تجلی می‌کند.

در کاربرد این فعل‌ها، محتوای بند وابسته در مجموع چیزی است که مورد ادراک قرار می‌گیرد و تک‌تک مشارک‌های بند وابسته در این رابطه متممی اهمیت ندارند. با وجود این، به جهت ایجاد امکان مقایسه فعل‌های متمم‌پذیر فارسی با یکدیگر، به بررسی وضعیت فاعل بند وابسته در فعل‌های ادراکی می‌پردازیم. داده‌های پیکره

نشان داد که فاعل بند وابسته در دو فعل از این گروه (احساس کردن و حس کردن) هم می‌تواند با فاعل بند اصلی هم مرجع باشد هم می‌تواند هم مرجع نباشد و در دو فعل دیگر این گروه (دیدن و شنیدن) الزاماً با فاعل بند اصلی هم مرجع نیست.

فاعل بند وابسته در فعل‌های ادراکی، هم می‌تواند در جمله حضور آشکار داشته باشد و هم می‌تواند محذوف باشد و فاعل محذوف، یا فاعل فعل گذراست یا فاعل فعل ناگذرا. اما مفعول در بند وابسته به‌طور معمول حذف نمی‌شود.

جدول (۱۰) هم مرجعی فاعل بند وابسته با فاعل بند اصلی را در مورد فعل‌های ادراکی نشان می‌دهد. با ذکر این توضیح که در هر مورد، قضاوت صرفاً بر اساس داده‌های پیکره زبانی صورت گرفته و کاربردهای نادر یا نشان‌داری که از لحاظ شمی قابل قبول‌اند، مورد نظر نبوده است.

جدول ۱۰: هم مرجعی فاعل بند وابسته با فاعل بند اصلی در فعل‌های ادراکی زبان فارسی
+ = هم مرجع؛ - = غیر هم مرجع؛ +/- = هم مرجع و غیر هم مرجع هر دو ممکن است

احساس کردن	حس کردن	دیدن	شنیدن
-/+	-/+	-	-

۴-۱-۵ فعل‌های آگاهی

همان‌گونه که در فصل ملاحظات نظری عنوان شد، فعل‌های آگاهی فعل‌هایی هستند که به آگاهی داشتن یا فرایند کسب آگاهی تجربه‌گر پیرامون وضعیتی که در بند وابسته بیان می‌شود، اشاره می‌کنند. در زبان فارسی، فعل‌های مرکب با جزء غیر فعلی آگاه و متوجه، و نیز فعل‌های دانستن، دریافتن و فهمیدن، در این طبقه جای می‌گیرند. فعل‌های ادراکی شنیدن و دیدن نیز گاه ممکن است نقش فعل‌های آگاهی را ایفا کنند. در این کاربرد، دارای مفهوم ادراک حسی نیستند و همانند دیگر فعل‌های آگاهی، داشتن آگاهی یا فرایند کسب آگاهی را نشان می‌دهند.

نمونه‌های ذیل کاربرد این فعل‌ها را در زبان فارسی نشان می‌دهد:

۴۱. من آگاه بودم که آنها چه هنگام پرواز خواهند کرد. (بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم،

ابراهیمی: ۹)

۴۲. می‌دانم که برای مادرش از هیچ کاری روگردان نیست. (مادرم دو بار گریست، یونسی: ۱۱۴)
۴۳. همه هم دریافتند که سالار نظام از این اشاره خوشش نیامد. (سالاری‌ها، علوی: ۲۲)
۴۴. هرچه فکر کردم دیدم چاره دیگری ندارم. (اسیر خاک، آموزگار: ۵۸)
۴۵. شنیده‌ام با سوسن به هم زده‌ای. (درازنای شب، میرصادقی: ۱۸۶)
۴۶. انسان تا نصیبش نشود نمی‌تواند بفهمد که چه اندازه تحمل‌نکردنی و دشوار است. (شوهر آهو خانم، افغانی: ۱۱۴)
۴۷. ولی یک‌مرتبه متوجه شدم که همان رقص افریقایی است. (خسی در میقات، آل‌احمد: ۴۱)

۴-۱-۵-۱ صورت فعل

در کاربرد فعل‌های آگاهی، صورت فعل بند وابسته هم‌تراز است، زیرا فرایند وابسته‌سازی صورت ثابتی را بر آن تحمیل نمی‌کند. جدول (۱۱) وضعیت فعل بند وابسته را در فعل‌های آگاهی در زبان فارسی نشان می‌دهد:

جدول ۱۱: هم‌ترازی یا تنزل‌یافتگی در فعل‌های آگاهی در زبان فارسی

ه = هم‌تراز؛ ت = تنزل‌یافته

آگاه بودن	دانستن	دریافتن	دیدن	شنیدن	فهمیدن	متوجه شدن
ه	ه	ه	ه	ه	ه	ه

۴-۱-۵-۲ رمزگذاری مشارک‌ها

در تمام فعل‌های آگاهی، یکی از دو مشارک اصلی، کسی است که به وضعیتی آگاهی دارد یا آگاهی می‌یابد. این مشارک همواره در قالب فاعل بند اصلی تجلی می‌کند. مشارک دیگر آن چیزی است که نسبت به آن آگاهی وجود دارد یا کسب می‌شود که همواره در قالب وضعیت وابسته بیان می‌شود.

در کاربرد این فعل‌ها چیزی که موضوع آگاهی است محتوای کلی بند وابسته است و تک‌تک مشارک‌های بند وابسته در این رابطه متممی حائز اهمیت نیستند. با وجود این بررسی وضعیت فاعل بند وابسته در فعل‌های آگاهی، امکان مقایسه فعل‌های متمم‌پذیر فارسی را با یکدیگر از این حیث فراهم می‌کند. داده‌های پیکره حاکی از این است که

فاعل بند وابسته تنها در فعل شنیدن الزاماً با فاعل بند اصلی هم‌مرجع نیست و در سایر فعل‌های این طبقه می‌تواند با فاعل بند اصلی هم‌مرجع باشد یا نباشد. در فعل‌های آگاهی، فاعل بند وابسته هم می‌تواند در جمله حضور آشکار داشته باشد و هم می‌تواند محذوف باشد و در شرایطی که این فاعل با فاعل بند اصلی هم‌مرجع باشد، به‌طور معمول در جمله حضور ندارد و محذوف است. در جدول (۱۲) موقعیت دو فاعل بند اصلی و وابسته در فعل‌های آگاهی خلاصه شده است:

جدول ۱۲: هم‌مرجعی فاعل بند وابسته و فاعل بند اصلی در فعل‌های آگاهی در زبان فارسی
 + = هم‌مرجع؛ - = غیر هم‌مرجع؛ +/- = هم‌مرجع و غیر هم‌مرجع هر دو ممکن است

آگاه بودن	دانستن	دریافتن	دیدن	شنیدن	فهمیدن	متوجه شدن
-/+	-/+	-/+	-/+	-	-/+	-/+

۴-۱-۶ فعل‌های نگرش گزاره‌ای

در فعل‌های نگرش گزاره‌ای، ارزش وجهی یک وضعیت ارزیابی می‌شود. برخی از این فعل‌ها بیانگر ارزیابی مستقیم وضعیت مورد نظر هستند و به عبارت دیگر، بیان می‌کنند که آن وضعیت ممکن است، محتمل است، قطعی است و غیره. گروه دوم به ارزیابی غیرمستقیم وضعیت می‌پردازند؛ به عبارت دیگر، بیان می‌کنند که نگرش تجربه‌گر به محتوای گزاره‌ای آن وضعیت چگونه است و قطعی بودن یا نبودن آن را چگونه ارزیابی می‌کند. کریستوفارو (Cristofaro 2005: 107) فعل‌های انگلیسی *may*، *be certain*، *probable* و *possible* را برای گروه اول، و فعل‌های *believe*، *doubt*، *think* و *probable* را برای گروه دوم مثال می‌آورد.

بررسی داده‌های زبان فارسی نشان داد که در این زبان فعل‌هایی که برای بیان ارزیابی مستقیم وضعیت به کار می‌روند همگی غیرشخصی هستند، نظیر ممکن بودن، احتمال داشتن، محتمل بودن و بعید بودن. به دلیل اینکه در پژوهش حاضر، تنها فعل‌های متمم‌پذیر شخصی مورد بررسی قرار می‌گیرند، در این بخش صرفاً به آن دسته از

فعل‌های نگرش گزاره‌ای می‌پردازیم که برای ارزیابی غیرمستقیم وضعیت به کار می‌روند.

برای پیشبرد بحث لازم است اشاره‌ای نیز به نظر نونان (NOONAN 2007) در مورد فعل‌های نگرش گزاره‌ای بکنیم. به اعتقاد وی، این دسته از فعل‌ها از نگرش فرد در زمینه صحت گزاره‌ای که در بند متمم آنها بیان می‌شود حکایت می‌کنند. او به درستی به این نکته اشاره می‌کند که فعل‌های نگرش گزاره‌ای ممکن است در معنا مثبت یا منفی باشند. وی فعل‌های *think, believe, suppose, assume* را نمونه فعل‌های نگرش گزاره‌ای مثبت در زبان انگلیسی، و فعل‌های *deny, doubt, not believe* را نمونه فعل‌های نگرش گزاره‌ای منفی در این زبان می‌داند و به نکته ظریفی اشاره می‌کند که ظاهراً از دید کریستوفارو به دور مانده است. نونان در ضرورت ایجاد این تفکیک بیان می‌کند که دو گروه مثبت و منفی از فعل‌های نگرش گزاره‌ای ممکن است در برخی زبان‌ها ویژگی‌های ساختاری متفاوتی داشته باشند و به عبارت دیگر، مثبت یا منفی بودن نگرش تجربه‌گر در انتخاب نوع بند تجلی کند. وی سپس به اختصار اشاره می‌کند که این امکان وجود دارد که نوع نگرش تجربه‌گر به محتوای گزاره‌ای بند وابسته در صورت‌بندی وجه این بند (اخباری در مقابل التزامی) دخیل باشد (Ibid: 124-126).

در زبان فارسی امروز، فعل‌های ایمان داشتن، اطمینان داشتن، اعتقاد داشتن، باور داشتن، حدس زدن، شک داشتن، تردید داشتن، فکر کردن، مطمئن بودن و یقین داشتن از جمله فعل‌های متمم‌پذیری هستند که در این معنا به کار می‌روند. در این بخش به طور نمونه به بررسی چهار فعل اطمینان داشتن، حدس زدن، فکر کردن و گمان کردن می‌پردازیم.^{۱۰۴}

۴۸. اطمینان داشت که حوادث گذشته تخم وقایع آینده را می‌پراکنند. (سالاری‌ها، علوی: ۸۸)

۴۹. مارگریتا حدس زد که من مقصودی دارم. (چمدان، علوی: ۱۹۰)

۵۰. این مرد سی‌ساله گمان می‌کند که می‌تواند مرا با افسون خود از سوراخ بیرون کشد (ر.

ایران - تاریخی ۱-۱۳۸۰: ۴۸۵)

۵۱. فریده فکر کرد جوانک غم مرموزی دارد. (چهارراه، علیزاده: ۷۴)

۱۰۴. همان‌گونه که از فهرست این افعال برمی‌آید، فعل‌های نگرش گزاره‌ای در زبان فارسی می‌توانند الفاکنده نگرش گزاره‌ای مثبت باشند (مثل باور داشتن) یا نگرش گزاره‌ای منفی را برسانند (نظیر شک داشتن). در این مقاله تنها به فعل‌های الفاکنده نگرش مثبت پرداخته می‌شود.

۱-۶-۱ صورت فعل

در کاربرد فعل‌های نگرش گزاره‌ای مورد بحث، صورت فعل بند وابسته هم‌تراز است. این مسئله در جدول (۱۳) نشان داده شده است:

جدول ۱۳: هم‌ترازی و تنزل در کاربرد فعل‌های نگرش گزاره‌ای در زبان فارسی

ه = هم‌تراز؛ ت: تنزل یافته؛ ه/ - = هم‌تراز و در صورت منفی بودن نگرش القاشده تنزل یافته است

اطمینان داشتن	حدس زدن	فکر کردن	گمان کردن
ه	ه	ه	ه

۲-۶-۱-۴ رمزگذاری مشارک‌ها

در کاربرد این فعل‌ها، مشارک تجربه‌گر، یکی از دو مشارک اصلی در رابطه متممی است که در جایگاه فاعل بند اصلی ایفای نقش می‌کند. هدف رابطه متممی بیان نگرشی است که این مشارک نسبت به محتوای گزاره‌ای دارد که در بند وابسته بیان می‌شود. بنابراین، مشارک مهم دیگر در این رابطه متممی، کل وضعیت وابسته است که در قالب بند وابسته تجلی می‌کند.

هرچند در کاربرد فعل‌های این طبقه نگرش تجربه‌گر نسبت به محتوای کلی بند وابسته ابراز می‌شود و تک‌تک مشارک‌های این بند در رابطه متممی اهمیتی ندارند، به جهت فراهم آمدن امکان مقایسه، وضعیت فاعل بند وابسته را در این طبقه نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم. بررسی‌ها حاکی از آن بود که این فاعل در همه فعل‌های این طبقه، هم می‌تواند با فاعل بند اصلی هم‌مرجع باشد و هم می‌تواند هم‌مرجع نباشد. در حالت نخست، یعنی زمانی که با فاعل بند اصلی هم‌مرجع است، به‌طور معمول در جمله حضور آشکار ندارد. جدول (۱۴) این مسئله را نشان می‌دهد:

جدول ۱۴: هم‌مرجمی فاعل بند وابسته با فاعل بند اصلی در فعل‌های نگرش گزاره‌ای

+ = هم‌مرجع؛ - = غیر هم‌مرجع؛ +/ - = هم‌مرجع و غیر هم‌مرجع هر دو ممکن است

اطمینان داشتن	حدس زدن	فکر کردن	گمان کردن
-/+	-/+	-/+	-/+

۴-۱-۷ فعل‌های نقل‌قولی

فعل‌های نقل‌قولی، فرایند انتقال اطلاعات را از یک فاعل کنشگر (که فاعل بند اصلی است) به یک مخاطب به عهده دارند. مخاطب ممکن است به‌طور تلویحی یا آشکار در جمله بیان شده باشد. در این جمله‌ها، گفته اصلی یا همان اطلاع منتقل شده، در قالب بند وابسته بیان می‌شود. به نمونه ذیل توجه کنید:

۵۲. پدرم می‌گوید تا ختمی را که گرفته‌است تمام نکند دکان را باز نمی‌کند. (همسایه‌ها، محمود: ۳۷)

در جمله فوق «پدرم»، فاعل کنشگر است و اطلاع مورد نظر یا همان گفته وی، «تا ختمی را که گرفته‌است تمام نکند دکان را باز نمی‌کند»، در بند وابسته بیان شده است. در این جمله مخاطب به‌طور آشکار بیان نشده و با توجه به بافت می‌توان شخصی را که این گفته خطاب به اوست شناسایی کرد.

در کاربرد فعل‌های نقل‌قولی در زبان‌های دنیا مخاطب می‌تواند یا در قالب مفعول مستقیم یا مفعول غیرمستقیم، در جمله حضور داشته باشد؛ هرچند، احتمال ذکر آشکار آن در جمله از احتمال حضور عامل [= فاعل کنشگر] در جمله کمتر است (NOONAN 2007: 121). در زبان فارسی امروز، مخاطب در صورتی که در جمله‌های نقل‌قولی حضور آشکار داشته باشد، مفعول غیرمستقیم است و به‌طور عمده در قالب گروه حرف‌افزای به‌ای تجلی می‌کند. به جمله ذیل توجه کنید:

۵۳. به او گفتم رسوایی او در رشوه‌خواری - و اینکه هرکس پول بیشتری بدهد منصب دولتی

را به او واگذار می‌کند - مایه سلب اعتماد مردم شده است. (امیرکبیر و ایران، آدمیت: ۴۴۸)

در جمله فوق مخاطب جمله یا کسی که هدایت جریان اطلاع به او ختم می‌شود، «او» است که در جمله، در قالب گروه حرف‌افزای حضور دارد.

همان‌گونه که می‌دانیم، در زبان به دو صورت می‌توان گفته فرد دیگری را نقل کرد. این دو صورت به‌طور سنتی نقل قول مستقیم و غیرمستقیم نامیده می‌شوند. در نقل قول مستقیم، گفته اصلی بدون کوچک‌ترین تغییری نقل می‌شود. در این حالت آنچه رخ می‌دهد تکرار کلام شخص مورد نظر، عیناً و بدون تغییر است. در نقل قول غیرمستقیم، گفته اصلی بر اساس نگرش گوینده که نقل قول‌کننده گفته شخص دیگر است و نیز بافت کلام، تغییر می‌کند. این تغییر در همه زبان‌ها یکسان نیست، اما عموماً شامل تعیین دوباره

موقعیت^{۱۰۵} در مقولات اشاری^{۱۰۶} می‌شود (NOONAN 207: 121) که به‌عنوان مثال می‌تواند در تغییر زمان فعل، تغییر مقولات اشاری زمان^{۱۰۷} (به‌عنوان نمونه قیود زمان) و تغییر مقولات اشاری شخص^{۱۰۸} (به‌عنوان نمونه ضمائر) تجلی کند. نونان، با ذکر نمونه‌ای، این تغییرات را در زبان انگلیسی نشان داده‌است که عیناً نقل می‌شود (Ibid: 121-122)

54. I'll go there tomorrow.

55. He said, "I'll go there tomorrow".

56. He said that he would come here today.

جمله نخست از مجموعه فوق گفته اصلی را نشان می‌دهد. جمله دوم نقل قول مستقیم و جمله سوم نقل قول غیرمستقیم را نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در جمله سوم تمامی متغیرها هماهنگ با زاویه دید نقل قول‌کننده تغییر کرده‌اند.

صرف نظر از تفاوت‌های نحوی و کلامی نقل قول‌های مستقیم و غیرمستقیم، یک تفاوت عمده بین آنها وجود دارد که موجب می‌شود تنها نقل قول‌های غیرمستقیم در بحث وابسته‌سازی مورد نظر باشند و آن این است که در نقل قول مستقیم آنچه نقل می‌شود صرفاً آواهای گفته اصلی است - عیناً و بدون تغییر - و هدف بازگو کردن و انتقال محتوای معنایی آن نیست؛ در نتیجه، در چارچوب نظریه حاضر، جمله در واقع فقط از یک وضعیت تشکیل شده‌است و دو وضعیت ندارد؛ یعنی وضعیت مربوط به این موضوع که فاعل کنشگر چیزی می‌گوید یا بیان می‌کند. برای روشن شدن این موضوع می‌توان شرایطی فرضی را تصور کرد که شخصی جمله‌ای را به زبانی دیگر (مثلاً انگلیسی) بیان کرده و گوینده یا نقل قول‌کننده، بعد از یک فعل نقل قولی زبان فارسی، مثلاً گفتن، عین جمله انگلیسی را نقل می‌کند. در اینجا بین بند اصلی حاوی فعل نقل قولی و آنچه به‌طور مستقیم به نقل از فاعل کنشگر بیان می‌شود، هیچ نوع ارتباطی از نوع وابسته‌سازی نمی‌توان قائل بود؛ زیرا صرفاً آواهای کلام وی نقل شده و وضعیت اصلی با وضعیت دیگری در تعامل قرار نگرفته‌است. بنابراین، آنچه پیرامون فعل‌های نقل قولی در بحث متمم‌افزایی مطرح است نقل قول غیرمستقیم است.

105. reorientation

106. deictic categories

107. time deixis

108. person deixis

در زبان فارسی پژوهشی درباره تعداد و نوع فعل‌های نقل‌قولی صورت نگرفته است. به همین دلیل، در بررسی حاضر تنها به فعل گفتن که می‌توان آن را فعل اصلی این طبقه قلمداد کرد پرداخته شده است؛ با ذکر این توضیح که فعل گفتن از نظر نگرش نقل‌قول‌کننده، به عنوان مثال، در مقایسه با فعل ادعا کردن که دارای بار منفی است، خنثی است و در محور ادب نیز به عنوان مثال در مقایسه با فعل فرمودن، که حاکی از ادب بسیار است، خنثی به شمار می‌رود.

۵۷. گفت روزگرم رو سیاه می‌کنه. (سنگ صبور، چوبک: ۳۸)

۵۸. گفت که خوابش نمی‌برد و با مشت به بالشش کوبید. (دو دنیا، ترقی: ۷۷)

نکته‌ای که باید در اینجا به آن توجه کنیم این است که کاربرد فعل گفتن در بسیاری از موارد می‌تواند در مفهوم بهره‌کشی تعبیر شود و گاه بین دو مفهوم (نقل‌قولی و بهره‌کشی) ابهام وجود دارد. به مثال (۵۹) توجه کنید:

۵۹. کلاس اول و سوم هر دو در یک اتاق گفتم که عکس خود مرا بکشند. (کندوکاو در مسائل

تربیتی ایران، بهرنگی: ۷۷)

به گفته نونان (NOONAN 2007: 121) این امر در مورد فعل‌های نقل‌قولی برخی زبان‌ها، از جمله زبان انگلیسی نیز وجود دارد. تمایز دو مفهوم مورد نظر بر این اساس ایجاد می‌شود که فعل مورد استفاده در بند اصلی، صرفاً به انتقال اطلاعات پیردازد یا در آن تلاشی برای ترغیب مخاطب به انجام کاری نهفته باشد. جهت ساده‌سازی بحث، در اینجا تنها به نمونه‌هایی از کاربرد فعل متمم‌پذیر گفتن می‌پردازیم که تنها در مفهوم نقل‌قولی قابل تعبیر هستند.

۱-۷-۱-۴ صورت فعل

در کاربرد فعل نقل‌قولی گفتن، فعل بند وابسته در وجه اخباری است و به عبارت دیگر هم‌تراز تلقی می‌شود.

علت این امر روشن است: در نقل‌قول، صورت فعل بند وابسته هیچ‌گونه وابستگی معنایی‌ای به صورت فعل بند اصلی ندارد و مستقل از آن تعبیر می‌شود. به این معنا که آنچه نقل می‌شود (در قالب بند وابسته) گزاره‌ای است که می‌تواند هر نوع ارجاع زمانی ممکن را (گذشته، حال و آینده) دارا باشد و از این نظر به ارجاع زمانی فعل بند اصلی

وابسته نیست. بنابراین، فعل بند وابسته دارای وجه اخباری است تا بتواند از لحاظ صورت، امکان نمایش این تنوع را داشته باشد. نمونه‌های ذیل به روشن شدن مطلب کمک می‌کنند:

۶۰. گفت زندگی بدون فریده بی‌ارزش است و می‌رود از سر شمس‌العماره خود را پایین می‌اندازد. (چهارراه، علیزاده: ۵)

۶۱. اخلاق بچه‌ها را دارد، یک روز می‌گوید می‌خواهد افسر ارتش بشود [...] (درازنای شب، میرصادقی: ۸۲)

۶۲. می‌گوید در تمام عمرش آن‌جور هول نکرده بود. (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، دولت‌آبادی: ۲۸۲)

۶۳. در آخرین لحظه گفت که [...] روز بعد خواهد آمد. (دو دنیا، ترقی: ۷۶)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در نمونه‌های فوق فعل بند وابسته به ترتیب صورت حال ساده، حال اخباری، گذشته بعید و آینده دارد و ارجاع زمانی آن آزاد است.

۲-۷-۱-۴ رمزگذاری مشارک‌ها

در کاربرد فعل نقل قولی گفتن یکی از مشارک‌ها فاعل بند اصلی است که تحت عنوان فاعل کنشگر یا عامل به آن اشاره می‌شود. اساس شکل‌گیری جمله وابسته در فعل‌های نقل قولی نقل مطلبی است که این فرد گفته است. گفته فاعل کنشگر یا آنچه نقل می‌شود، در قالب بند وابسته بیان می‌شود. در کنار این دو می‌توان به گوینده جمله نقل قولی نیز اشاره کرد. گوینده، در تقابل با فاعل بند اصلی یا کسی که گفته اصلی به او منتسب است (NOONAN 2007: 121)، کسی است که به نقل یا روایت گفته فاعل کنشگر می‌پردازد. مشارک دیگری که ممکن است در جمله به طور تلویحی یا آشکارا بیان شود مخاطب است؛ یعنی کسی که فاعل، بند اصلی گفته خود را خطاب به او بیان کرده است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، مخاطب در بسیاری از زبان‌های دنیا در قالب مفعول مستقیم یا مفعول غیرمستقیم تجلی می‌کند.

هرچند به ظاهر نمی‌توان گوینده را در زمره مشارک‌های فعل گفتن به شمار آورد، تردیدی نیست که نگرش گوینده در انتخاب فعل نقل قولی (دارای بار معنایی مثبت یا منفی) و نوع بیان مطلب بسیار مؤثر است. باید توجه داشت که این گوینده است که

می‌تواند در نقل یک گزاره خاص از فاعل کنشگر به عنوان مثال از بین گزینه‌های ادعا کردن، گفتن، عرض کردن و فرمودن برای فعل بند اصلی دست به انتخاب بزند و نگرش خود را در قبال صحت گفته‌ای که نقل می‌شود و اهمیت مخاطب، به جمله تزریق نماید.

داده‌های زبان فارسی نشان داد که در مواردی ممکن است گوینده با فاعل کنشگر بند اصلی یکی باشد. این مسئله به‌طور خاص زمانی اتفاق می‌افتد که فاعل کنشگر، اول‌شخص مفرد باشد. توجه کنید:

۶۴. دلم می‌خواست خفه‌اش کنم. به او گفتم که پدرش دروغ‌گوست و سر او کلاه گذاشته‌است. (دو دنیا، ترقی: ۷۸)

در جمله فوق فعل بند اصلی اول‌شخص مفرد است و فاعل کنشگر به نقل گفته‌ای از خود می‌پردازد؛ بنابراین گوینده و فاعل کنشگر هم‌مرجع هستند.

داده‌های زبان فارسی نشان داد که در کاربرد فعل گفتن در بیشتر موارد مشارک مخاطب در جمله ذکر نمی‌شود و چنانچه در جمله حضور داشته‌باشد نقش مفعول غیرمستقیم دارد و در قالب گروه حرف‌اضافه‌ای می‌آید. توجه کنید:

۶۵. به بچه‌ها گفتم که من رسیدم و همه دست زدند. (مدیر مدرسه، آل‌احمد: ۸)

در مثال فوق مشارک مخاطب در قالب گروه حرف‌اضافه‌ای به‌ای ذکر شده‌است. بررسی داده‌ها نشان داد که در برخی موارد این مشارک می‌تواند به‌صورت ضمیر متصل تجلی کرده، به حرف اضافه پیش از خود بپیوندد. در پیکره مورد بررسی، یک مورد کاربرد حرف‌اضافه برای و یک مورد کاربرد حرف اضافه به در این زمینه مشاهده شد که در ادامه نقل می‌شود:

۶۶. برایشان گفتم که می‌خواهد به شهر برود و خرید کند. (تلخون، به‌رنگی: ۳)

۶۷. مادرم بهش می‌گوید که به محض رسیدن خط بفرستد. (همسایه‌ها، محمود: ۷۹)

در مثال (۶۶) مخاطب به‌صورت ضمیر متصل [شان] در [برایشان] و در مثال (۶۷) به‌صورت ضمیر [ش] در [بهش] ذکر شده‌است.

آنجا که فعل گفتن به‌صورت بی‌نشان به‌کار می‌رود و تنها مفهوم نقل قول را می‌رساند، بند وابسته به‌صورت یک کل یکپارچه نقل می‌شود و تک‌تک مشارک‌های آن در رابطه متمم‌افزایی دارای اهمیت نیستند، اما جهت ایجاد امکان مقایسه فعل‌های

مختلف، فاعل بند وابسته و ارتباط آن با فاعل بند اصلی را در این مورد نیز بررسی می‌کنیم.

در کاربرد فعل گفتن در مفهوم نقل قول، فاعل بند اصلی (فاعل کنشگر) یا در جمله حضور آشکار دارد یا محذوف است و تنها از شناسه فعل بند اصلی بازشناخته می‌شود. فاعل بند وابسته می‌تواند با فاعل بند اصلی هم‌مرجع باشد و یا نباشد و در صورتی که هم‌مرجع باشد به‌طور معمول محذوف است.

۲-۴ رمزگذاری روابط متممی در زبان فارسی

در این بخش ابتدا ساخت‌های واژنحوی مورد استفاده برای رمزگذاری روابط متممی در زبان فارسی را براساس آنچه در ۱-۴ بیان شد با یکدیگر مقایسه می‌کنیم و سپس در زمینه صورت فعل و رمزگذاری مشارک‌ها - که دو ملاک عمده رده‌شناختی برای طبقه‌بندی وضعیت‌های وابسته در زبان‌های دنیا هستند - سلسله‌مراتب مربوط به فعل‌های متمم‌پذیر فارسی را ارائه خواهیم کرد و به ارزیابی این سلسله‌مراتب، در ارتباط با سلسله‌مراتبی که در این خصوص برای زبان‌های دنیا پیشنهاد شده است، خواهیم پرداخت.

برای به دست دادن این سلسله‌مراتب، هریک از روابط متممی و چگونگی رمزگذاری آن در زبان فارسی را با توجه به پارامترهایی که برای بررسی رمزگذاری وابسته‌سازی در زبان‌های دنیا برشمردیم، با سایر روابط متممی مقایسه می‌کنیم تا امکان ارائه سلسله‌مراتب مربوط فراهم شود.

۱-۲-۴ صورت فعل

تمایز هم‌ترازی و تنزل‌یافتگی که مبنای جداسازی صورت‌های افعال قرار می‌گیرد، در اساس بر مبنای دو ملاک توزیعی و ساختاری بنا شده است. براساس ملاک توزیعی، فعل تنزل‌یافته تنها در بند وابسته امکان حضور دارد و براساس ملاک ساختاری ویژگی‌های صوری فعل و مقولات دستوری نشان‌داده شده در صورت فعل تنزل‌یافته با صورت متناظر آن، که در بند غیر وابسته به کار می‌رود، متفاوت است (SIASSEN 1985: 76-83). گفته شده است که در بیشتر موارد، در تمام زبان‌های دنیا، صورت فعل تنزل‌یافته اطلاعات

دستوری کمتری را از صورت فعل هم‌تراز بازمی‌تاباند و مقوله‌های دستوری زمان، وجه، نمود و شخص، آن‌گونه که در صورت فعل هم‌تراز نمایانده می‌شود، در صورت فعل تنزل‌یافته نشان داده نمی‌شود. چنانچه در زبانی، حتی یکی از این مقولات در صورت فعل بند وابسته نمایش داده نشود، آن صورت را باید تنزل‌یافته قلمداد کرد. درحقیقت، شاید بتوان عدم امکان حضور صورت فعل تنزل‌یافته در بند خبری غیر وابسته را ناشی از همین فقدان استقلال در نمایش مقولات دستوری مورد نیاز در فعل دانست.

کریستوفارو به منظور فراگیر کردن مفهوم تنزل‌یافتگی و ایجاد امکان استفاده از آن در مواردی نظیر وجه فعلی وابسته در برخی زبان‌ها، که از لحاظ ساخت و تصریف تمایزی با صورت‌های متناظر غیر وابسته‌شان ندارند، و تنها بر اساس ملاک توزیعی (و نه ملاک ساختاری) تنزل‌یافته تلقی می‌شوند، ضرورت قائل شدن به هر دو ملاک توزیعی و ساختاری را برای تنزل‌یافتگی زیر سؤال برده، تنها ملاک توزیعی را برای تمایز صورت‌های فعلی تنزل‌یافته و هم‌تراز کافی می‌داند (CRISTÓFARO 2005: 57).

بحث هم‌ترازی / تنزل‌یافتگی، به‌عنوان یکی از ملاک‌های توصیف بین‌زبانی متمم‌افزایی در برخی دیگر از آثار مربوط، به‌صورت تقابلی اخباری / التزامی جلوه‌گر شده‌است؛ با این توضیح که می‌توان انواع بند وابسته را بر اساس اینکه فعل آنها در وجه اخباری یا التزامی است از یکدیگر متمایز کرد (NOONAN 2007: 61). در این تقسیم‌بندی، داشتن وجه اخباری، متناظر با هم‌تراز بودن است؛ زیرا فعلی که از وجه اخباری باشد هم می‌تواند در بند خبری غیر وابسته به‌کار رود هم در بند وابسته، و دارا بودن وجه التزامی متناظر با تنزل‌یافته بودن قلمداد می‌شود؛ زیرا فعلی که در وجه التزامی است تنها می‌تواند در بند وابسته به‌کار رود و امکان کاربرد در بند خبری غیر وابسته را ندارد.

بررسی داده‌های زبان فارسی امروز نشان داد که در این زبان نیز، در پیوند دو وضعیت در جمله مرکب، از دو راهکار هم‌ترازی / تنزل استفاده می‌شود. در زبان فارسی تقابلی هم‌ترازی / تنزل به‌صورت تقابلی اخباری / التزامی تجلی می‌کند، به این معنا که هر جا که فعل بند وابسته هم‌تراز باشد در وجه اخباری و هر جا که تنزل‌یافته باشد در وجه التزامی است.

داده‌های زبان فارسی در این زمینه نظریه استیسن (STASSEN) را نیز تأیید می‌کنند؛ زیرا

فعل‌های تنزل‌یافته در این زبان مقولات دستوری را به‌اندازهٔ جفت‌های متناظرشان در وجه اخباری باز نمی‌تابانند. وجه التزامی در زبان فارسی تمایزات درونی محدودی را برای زمان دستوری نشان می‌دهد که از بین زمان‌های دستوری ممکن در وجه اخباری، تنها به دو زمان حال و گذشته محدود می‌شود. درزمینهٔ نمود هم، در حدی که در دو صورت فعلی حال التزامی و گذشتهٔ التزامی، به ترتیب به‌صورت نمود ناقص و نمود کامل تجلی می‌کند، در وجه التزامی قابل بیان است. اما در این زبان مطابقت شخص در فعل تنزل‌یافته و هم‌تراز تفاوتی نمی‌کند و در هر دو دارای تصریف کامل هستند.

داده‌های زبان فارسی در عین حالی که با نظریهٔ استیسن (STASSEN) همخوانی دارند، با تعدیلی که کریستوفارو (CRISTOFARO) در مفهوم تنزل‌یافتگی اعمال کرد (ر.ک. به مباحث قبل) نیز منافاتی نشان نمی‌دهند، زیرا آنچه در این زبان در وجه التزامی باشد توزیع محدودی دارد و در جملات مرکب تنها در بند وابسته امکان حضور دارد و نه در بند اصلی.

جهت مقایسهٔ فعل‌های متمم‌پذیر فارسی از نظر به‌کارگیری راهکارهای هم‌ترازی / تنزل‌یافتگی، وضعیت فعل وابسته را از این حیث، در هریک از روابط متممی مورد بررسی در این زبان، مورد سنجش قرار دادیم تا مشخص شود که در بیان وضعیت وابسته در هریک از روابط متممی چه نوع فعلی استفاده می‌شود: صورت فعل هم‌تراز، تنزل‌یافته یا هر دو.

جدول (۱۵) وضعیت فعل بند وابسته را از نظر هم‌ترازی یا تنزل، در انواع روابط متممی فارسی نشان می‌دهد:

جدول ۱۵: وضعیت فعل وابسته از نظر هم‌ترازی / تنزل در طبقات معنایی فعل‌های متمم‌پذیر فارسی
 د.م.ض.م. = دارای معنای ضمنی مثبت؛ ف.م.ض. = فاقد معنای ضمنی؛ ت = تنزل‌یافته؛ ه = هم‌تراز؛
 ت/ه = هم‌تراز و تنزل‌یافته هر دو ممکن است، اما هم‌تراز راهکار اصلی است

وجهی	بهره‌کشی	بهره‌کشی	آرزویی	ادراکی	آگاهی	نگرش	نقل‌قولی
ت	د.م.ض.م.	ف.م.ض.	ت/ه	ه	ه	ه	ه
ت	ت	ت	ت/ه	ه	ه	ه	ه

همان‌گونه که از جدول (۱۵) برمی‌آید، در زبان فارسی امروز در سه طبقه معنایی وجهی، بهره‌کشی دارای معنای ضمنی مثبت و بهره‌کشی فاقد معنای ضمنی، تنها از راهکار تنزل‌یافتگی استفاده می‌شود و در طبقه معنایی آرزویی، هر دو راهکار هم‌ترازی و تنزل‌یافتگی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ اگرچه، در بیشتر موارد راهکار تنزل‌یافتگی مورد استفاده قرار می‌گیرد و استفاده از راهکار هم‌ترازی محدود است. در سایر روابط متممی راهکار مورد استفاده هم‌ترازی است.

به گفته کریستوفارو می‌توان انواع روابط متممی را بر اساس کاربرد صورت فعلی هم‌تراز یا تنزل‌یافته با یکدیگر سنجید و بر مبنای آن سلسله‌مراتبی از تنزل‌یافتگی به دست داد. این سلسله‌مراتب، سلسله‌مراتب تنزل‌یافتگی متممی نام گرفته است (CRISTOFARO 2005: 125).

وجهی، مرحله‌ای < آرزویی، بهره‌کشی (د.م.ض.م و ف.م.ض) < ادراکی < آگاهی، نگرش گزاره‌ای،
نقل قولی

نمودار ۱: سلسله‌مراتب تنزل‌یافتگی متممی

قانون حاکم بر این سلسله‌مراتب چنین است: در هر نقطه این سلسله‌مراتب که از فعل تنزل‌یافته استفاده شود، در سایر نقاط سمت راست آن نیز از فعل تنزل‌یافته (به‌نهایی یا به‌عنوان یکی از امکانات در کنار صورت هم‌تراز) استفاده می‌شود. اگر بر اساس نتایج مندرج در جدول (۱۵) و اطلاعات سلسله‌مراتب تنزل‌یافتگی متممی، بخواهیم سلسله‌مراتب تنزل‌یافتگی متممی در زبان فارسی را در گستره روابط متممی مورد بحث به دست دهیم، چنین می‌شود:

وجهی < آرزویی، بهره‌کشی (د.م.ض.م و ف.م.ض) < ادراکی < آگاهی، نگرش گزاره‌ای، نقل قولی

نمودار ۲: سلسله‌مراتب تنزل‌یافتگی متممی در زبان فارسی

در ارتباط با این سلسله‌مراتب، ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد. نخست اینکه

قرار گرفتن یک رابطه متممی پیش از علامت < به معنای بالاتر بودن رتبه آن در سلسله مراتب است. دوم اینکه در مورد رابطه‌هایی که بالاتر بودن رتبه یکی بر دیگری مشخص نبوده، به تبعیت از کریستوفارو، از جداسازی توسط ویرگول استفاده شده است. همان‌گونه که از مقایسه دو نمودار (۱) و (۲) برمی‌آید، زبان فارسی از نظر تنزل‌یافتگی با یافته‌های رده‌شناختی همسوست. مطابق این سلسله مراتب، به دلیل آنکه در رابطه نقل‌قولی که در انتها لیه چپ سلسله مراتب قرار دارد، امکان استفاده از صورت تنزل‌یافته (ولو در شرایط خاص) وجود دارد، سایر روابط که در سمت راست آن قرار دارند نیز می‌توانند از صورت تنزل‌یافته استفاده کنند.

یافته‌های رده‌شناختی حاکی از آن است که سلسله مراتب متممی تنزل‌یافتگی در زمینه نبود تمایزات وجه، زمان و نمود و مطابقت شخص در فعل بند وابسته نیز صادق است و چنانچه این تمایزات در هر جای این سلسله مراتب بیان نشود، در بقیه قسمت‌های سمت راست آن نیز بیان نخواهد شد. سنجش درستی این مسئله در زبان فارسی، پس از ارائه جدول‌هایی از چگونگی وضعیت این ویژگی‌ها در طبقات فعل‌پذیر فارسی، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲-۲-۴ رمزگذاری مشارک‌ها

یکی از مسائل مطرح در زمینه رمزگذاری مشارک‌ها، ذکر شدن یا ذکر نشدن آشکار موضوع‌های A و S در بند وابسته است. یافته‌های رده‌شناختی حاکی از آن است که دو موضوع A و S در صورتی که با A یا S بند پایه هم‌مرجع باشند، در بند وابسته ذکر نمی‌شوند و این در حالی است که موضوع O معمولاً به‌طور آشکار ذکر می‌شود. گفته شده است که ذکر نشدن دو موضوع A و S از سلسله مراتب متممی تنزل‌یافتگی تبعیت می‌کند، به همین علت به سلسله مراتب مورد نظر تحت عنوان سلسله مراتب متممی تنزل‌یافتگی - موضوع اشاره می‌شود.

بررسی داده‌های زبان فارسی در مورد تمامی روابط متممی نشان داد که در این زبان گرایش غالب حذف فاعل بند وابسته (A یا S) در صورت هم‌مرجع بودن با فاعل بند اصلی (A یا S) است. جدول (۱۶) هم‌مرجع بودن فاعل بند وابسته با فاعل بند اصلی، هم‌مرجع

نبودن با آن و یا وجود هر دو امکان را در مورد روابط متممی زبان فارسی نشان می‌دهد.

جدول ۱۶: وضعیت فاعل بند وابسته از نظر هم‌مرجعی با فاعل بند اصلی

در طبقات معنایی فعل‌های متمم‌پذیر فارسی

+ = هم‌مرجع؛ - = غیر هم‌مرجع؛ +/- = هم‌مرجع و غیر هم‌مرجع هر دو ممکن است

وجهی	بهره‌کشی د.م.ض.م.	بهره‌کشی ف.م.ض	آرزویی	ادراکی	آگاهی	نگرش گزاره‌ای	نقل قولی
-	-	-	-/+	-/+	-/+	-/+	-/+

همان‌گونه که از جدول (۱۶) بر می‌آید، در زبان فارسی در سه طبقه متمم‌پذیر وجهی، بهره‌کشی دارای معنای ضمنی مثبت و بهره‌کشی فاقد معنای ضمنی، در اساس امکان هم‌مرجع بودن فاعل بند وابسته با فاعل بند اصلی وجود ندارد، و در مورد سایر طبقات هر دو امکان موجود است. این در حالی است که در زبان فارسی کمابیش در مورد همه طبقات معنایی فعل‌های متمم‌پذیر امکان حذف فاعل بند وابسته وجود دارد و حذف فاعل در برخی موارد بسیار فراگیر است. علت این امر آن است که در مورد برخی از روابط متممی، فاعل بند وابسته نه با فاعل بند اصلی، بلکه با یکی دیگر از مشارک‌های بند اصلی (مثلاً مفعول یا مفعول حرف اضافه) هم‌مرجع است و به دلیل ذکر آشکار آنها در بند اصلی و از پیش تعیین شده بودن مرجع آنها، فاعل در بند وابسته ذکر نمی‌شود. نتیجه اینکه در مورد تمامی طبقات معنایی فعل‌های متمم‌پذیر فارسی، حذف فاعل بند وابسته امکان‌پذیر است و این امر می‌تواند تأییدی بر این امر باشد که در این زبان نیز، همسو با یافته‌های رده‌شناختی، سلسله‌مراتب حذف فاعل از سلسله‌مراتب تنزل‌یافتگی تبعیت می‌کند، اما به دلیل اینکه فارسی زبانی ضمیرانداز است و در تمام بندهای آن اصولاً امکان حذف فاعل وجود دارد، شاید بتوان گفت که حضور یا حذف فاعل بند وابسته اساساً نمی‌تواند مشخصه تمایزدهنده‌ای در بررسی طبقه‌های معنایی فعل‌های متمم‌پذیر به شمار آید و نیازی به قائل شدن به سلسله‌مراتب برای حذف فاعل در مورد آن احساس نمی‌شود. در عوض، آنچه پرداختن به آن در این زمینه ضروری می‌نماید امکان یا عدم امکان هم‌مرجع بودن فاعل بند وابسته با فاعل بند اصلی است که در جدول

(۱۶) نشان داده شده است.

منابع

- آهنگر، ع. (۱۳۸۱)، «بند متمم فعل در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۷، ش ۲، ص ۱-۲۷؛
انوری، ح. و ح. احمدی‌گیوی (۱۳۸۵)، دستور زبان فارسی (۲)، فاطمی، تهران؛
باطنی، م. (۱۳۴۸)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، امیرکبیر، تهران؛
دبیرمقدم، م. (۱۳۸۴)، پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی (مجموعه مقالات)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران؛
شفایی، احمد (۱۳۶۳)، مبانی علمی دستور زبان فارسی، نوین، تهران؛
طیب‌زاده، ا. (۱۳۸۵)، ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین فعل در فارسی امروز، نشر مرکز، تهران؛
عاصی، م. (۱۳۸۴)، «ایجاد پایگاه بزرگ داده‌های زبان فارسی در اینترنت»، در وبگاه <http://pldb.ihcs.ac.ir>؛
لازار، ژ. (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه مهستی بحرینی، هرمس، تهران؛
مشکوة‌الدینی، م. (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)، سمت، تهران؛
- AARIS, B. (2006), "Subordination", *Encyclopedia of Language and Linguistics*, Edited by: Keith Brown, Boston: Elsevier, 248-254;
- CRISOLARO, S. (2005), *Subordination*, Oxford: Oxford University Press;
- CROFT, W. (2003a), *Typology and Universals*, Cambridge: Cambridge University Press;
- (2003b), "Typology", *The Handbook of Linguistics*, Edited by: M. Aronoff and J. Rees-Miller, UK: Blackwell, 337-369;
- DIXON, R.M.W. (1994), *Ergativity*, Cambridge: Cambridge University Press;
- (2006), "Complementation", in *Complementation*, Edited by R. M. W. Dixon and A. Y. Aikhenvald, Oxford: Oxford University Press, 1-50;
- GIVÓN, T. (1990), *Syntax: A Functional-Typological Introduction Vol. 2*, Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins;
- (2001), *Syntax. 2 Vols*, Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins;
- GREEN, G.M. (1976), "Main clause phenomena in subordinate clauses", *Language* 53: 382-397;
- HAJATI, A.K. (1977), "ke construction in Persian: descriptive and theoretical aspects", Unpublished Ph.D. dissertation, University of Illinois, Urbana;
- LAMBSON, A.K.S. (1976), *Persian Grammar*, Cambridge: Cambridge University Press;
- NOONAN, M. (1985), "Complementation", *Language Typology and Syntactic Description, volume 2: Complex Constructions*, Edited by: T. Shopen, 42-140, Cambridge: Cambridge University Press;
- (2007), "Complementation", *Language Typology and Syntactic Description, volume 2: Complex*

Constructions, Edited by: T. Shopen, 2nd Edition, 52-151, Cambridge: Cambridge University Press;

PALMER, F.R. (1974), *The English Verb*, London: Longman;

— (1979), *Modality and the English Modals*, London: Longman;

— (1986), *Mood and Modality*, Cambridge: Cambridge University Press;

— (2001), *Mood and Modality*, Cambridge: Cambridge University Press;

QUIRK, R. et.al. (1985), *A Comprehensive Grammar of English Language*, London: Longman;

STASSEN, L. (1985), *Comparison and Universal Grammar*, Oxford: Basil Blackwell;

VAN VALIN, Jr., R.D. and R.J. LAPOLLA (1997), *Syntax*, Cambridge: Cambridge University Press;

VON WRIGHT, E.H. (1951), *An Essay in Modal Logic*, Amsterdam: North Holland;

WINDFUHR, G.L. (1979), *Persian Grammar: History and State of its Study, Trends in Linguistics, State-of-the-art Report 12*, The Hague: Mouton Publisher.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی